

## بازسازی در چنبره بسیج جنگی

راه آزادی، راه رزم قاطعانه است

آقای بازرسگان رهبر "نیفتد آزادی" چندسی  
بیش دریک معاجمه تلفنی با رادیویی، بی.سی گفت  
که غلیرغم اظهارات مکرر رهبران ایران در مورد  
حبابت از "نقایقی با زیاسی" و آزادی سیاست، "به مثام  
مردم" پیران بیوی از آزادی رسیده است.  
آقای بازرسگان، ضمن دیگر اظهار را خود، به  
فشارهای رژیم پیر "نیفتد" و "جعیت" اثرا نموده و به  
این ترتیب اقدامات رژیم را موردا نتقاد کردار  
داد.

در اظهارها رات بازرسگان، البته حقیقت تلخ  
سیطره خشن ابتدا، تا حد اعمال خدیفشا ریز  
نیروهایی که می‌کوشند همه قوانین "ولایت فقیه" را  
رعایت کنند، انتکاس صریحی داشتند. جنا جمه  
مواعید رژیم درباره آزادی سیاست و دیگر  
آزادی ها کوکتکریتین حقوقی داشته باشد بدون  
سکه قبل از همه باید آن محتوا را تثبیر در این طبقه  
نیفتد" و "جعیت" و دیگر جوان مای همان‌سو  
مشاعده کرد. بجز اکدام جزای ناقصات در حرف هم‌با خود  
را زموده‌ذا برخفا نون اسلامی بیرون نهاده  
و سبق قول اخوندیه "بردوهه کی" داردند. بدین‌  
ترتیب کش و اکتشن مقابله رژیم و جویان های سیاسی  
فوق، خودتو عیی معیا و ساخت محتوا را فریض کریل  
ادعا های سران حکومت اسلامی است. حال وقته که  
آقای بازرسگان هم بیوی "از نقایقی باز" به مثام  
نخوده دیگر که بحال سارپین.

اما حقیقت دیگری که در موضوع گیری آقای  
بازرسگان منعکس بود، همانا تا پیگیری خود ایشان  
درنشست و دفاع از آزادی و هراس شان از تماش ای  
حقایق خوبنارنای ازتبه‌کاری های رژیم است.  
آقای بازرسگان در همان مصادفه نیافریده  
اما کان تعطیل "نیفتد" در موردن تداومش روزیم،  
که به

## شهادت رفیق جهانگیر فتحی در اوین

\*ندای خلق، رزمتدها تبت قدم و فیق جهانگیر  
فتختی بس از دوسال مقاومت دلبرانه درسیاه جالهای  
رژیم خمینی، آماج گلوهای دژخیان خلق شد.  
رفیقی "جهان بروبر ورنج و زحمت و روزمند بیگنر  
ایستاده استاد حرمون سود، برسیان خودبا خلق  
ایستاده سفر را آنچه ایمان برسیان نهاد.

شهادت رفیق عبدالحسین آگاهی

\* رفیق عبدالحسین آکا هی، محقق برجسته، معاشر  
بسیگر و استوار ادبهروزی مردم و غمگینیه سرکری  
حزب توده ایران، پس از مقاومتی قهرمانانه در  
برایار بردخیان مذهبی اسلامی درستگاههای هشای  
درستگاه مقتول رسید. اوتا آخرین دم حیات پرمشتری  
درستگاه حشتگان رزمیدوبا وفاداری به آدم مش شد  
سپاه است رسید.

ها شمی رفستجا نی در سفر هفتاه خیر خود بی  
خوزستان، ضمن یک سخنرانی با رادیو کریکه تلویزیون است  
و دولت در ساره زما زی پرداخت و با زهمنا زس زی را  
درگیر و "اطمینان" کام ملهمه "قرارداد" وی گفت:  
"با بدای طبینا از عزم تجدید بندخ ب وجود داده  
بتوانیم برنا همهای خودرا ا جرا کنیم" ۱۰- و همچنین  
تصریح کرد که حصول اطمینان شنبت به "عدم تجدید  
حق" کما کان بیشترین هزینه صرف بسیج آ ما دگی  
جهنمگی خواهد شد و با وجود جنگ ب سودای زاس زی بیه  
هیچوجه کاسته نخواهد شد. این اندیشه ها را فرسخانی  
در سفر خود بیده کرمان کددرنیمه آ با انها مشدنی از  
بسطه طور مژوه مورد تقدیر قرار دارد.  
با زاس زی ویرانیها و پیشنهادی های ناشی شاه  
سال حنگ؛ ارتیاعی و خوا و دکارانه اکنون بد موضع  
روز جا مده ما تبدیل شده است. در نخستین روز های  
آیین زیبادیش رسانه ۵۹۸ شورای امنیت، رژیسم  
خوندی با عده و عده های ریا و آن در مردم رهبا زاسی  
مرعی کشور به بیدار آ مدتاریس آ بیجا داد میدواری  
در مردم در رحتم ترمیم مرعی خراسی ها، اتفاقاً و

#### خواست مردم و برنامه مجاهدین

امروز دیگر کمتر نیروی سیاسی است که در  
سیکاریا روزیم تپیکار رجمهوری اسلامی، تامین مد کاری  
در درواز آن آزادی سیاسی را هدف میرخود قرار  
داده است. استیدا دخون ریز و لایت فیچه "بلوی  
کمال هایی که می بینیم مانند چنگ اند خداست، آنچنان  
تفصیلی در زندگی ای ای اجتماعی، فرهنگی و  
اصحوصی مردم ایران پیدا و رده که در طول تاریخ گذشته  
ما کمکاً بقداست. رژیم آخوندی در این جندها  
دستگیر نگشیش هزاران شفرا زفرزندان مرسف و  
سازارهای ایران را انترباران، بدیدار و بخت و پیسا  
بریگزینده کشت. در این سال هادهها هزار و نفر را واد  
نداشنا شدند، هزاران شفرا زیر بیعید شدند و خندنه زار  
غیرمهارتی کردند. در این سالها همه شوراهای سندیکا ها  
دیگر تنکل های مستقل زحمتکشان یا محل و پایه  
شکل های حکومتی تبدیل شدند. در این سال ها  
کارگران، کارمندان، معلمین، دانشجویان و  
اشناس آموزان، بزشکاران، مهندسان، پیشه و ران  
حتی فعالیت های خانواده های شیدا وزندانیان  
یا سرکوب شدن تویا زیر فشارهای شدیدقرار  
رفتند. در این سال های سایه مهخون آشته  
بر مدمدرخانه نوزندگی خصوصی نیزه ماچ جناب تعریف ها،  
جهنم، هادیم، های رشده اند که بعد از

در جنین شرایطی، سازمان های سیاسی مخالف زیمولایت فقیه خود را ماج دیده ترین سرگوپرگیرهاستند، گوشه می توانند قدم مبارزه در اهانت میان طلاق و آزادی سروکوشی را نگذارند؟

واقعیت این است که قدم مبارزه برای حل و مکاری نه تنها به دلیل خلاف حاد دستله برگشته است، بلکه محظی و اساساً به دلیل نیازیست بدان دیگر امام محمددوکاری به منابع مهم ترین اهرام رشد- قفتخته ای - اجتماعی - سیاسی و فرهنگی است.

مروز درگوشه ای پیشتر فتنه سرمدیداری نیز مبارزه در روزه دسته و تحکیم دموکراشی، یکی از بینی دیگرین اتفاقات مبارزه های سرمدیداری حل و وتری و تنشیکی مدد و حرجی کشورهای اسلامی دارد که پیشتر فتنه به وشنی اشاره می کنند که این میان و تعیین دمکراسی هم می باشد که این میان و نهضه های اسلامی اهرام رشد حاصل کلیت آن و همراه

تشکیل دولت مستقل فلسطین

۱۵ عقب نشینی امام در برآور موسیقی!

۹ بیروزی حزب مردم پاکستان

۱۰ جنبش کارگری در جستجوی آلترناتیو دمکراتیک

۵

پیام سادبازش به مناسبت  
۷۱مین سالگرد انقلاب کبیر اکتبور

سازمان آزادیبخش فلسطین

کارشنی در مذاکرات صلح

ما گذشته، دور جدید مذاکرات ایران و عراق در نوبای حضور دیرکل سازمان ملل متحده نجا مگرفت، نهایا نتیجه‌ای از مذاکرات طولانی، توانق شکننده رای می‌داده تعداد کمی از اسرای جنگی دوکشور بوده است. طرفین مواقت کردند که حدود ۱۵۰۰۰ اسیر خمی، مطلع و بیمه را باید داده کنند. از این عده دود ۴۰۰ نفر ایرانی هستند.

لعل سرای ریپورت مسحه سویل و پیش از آن سرسانی  
وجهه مساوی که طرفین در نظردازند، طرحی را  
نشتمل بر ۴۰۰ ماده را شداد: بـ ۱- قبض نشستی  
نهاده نظمه و ماده های شناختی

زیم عراق این میرا دستور میکرست که برابر باشیم،  
با عقب نشستن نیروهای نظماً می‌بایست  
زیم عراق این میرا دستور میکرست که برابر باشیم،

با این دلیل ردمی کنده خط مرزی آسی را خاطر نال و قرارداد داده، مذاق خواهان حاکمیت بر وندرود را داشت. اویک بار بارا برگردان قرارداد زیرهایه و لغویک جایته آن، مرکب اشتباه می‌باشد. ریگ شدکه همال جنگ خون ریزی و پیرانی در هر چشواره باده بینا قرارداد دعوه عسرا قدر برآورده است. هر دفعه عدم پذیرش آن قرارداد دعوه عسرا مبنای اشتباه می‌شود. منشاء اشتباهات ریسماداً و عدم پیشرفت ذاکرات در تجربه ایلات سعد طلبانه این رژیم است. در عین حال با بدسر و رشکنی های جمهوری اسلامی با توش به گنترل و ذریسی کشته هاردنگلیخ فارس و تنکه هر مزو مسوء؛ تقدیمه از تعداد دزی دنرا می‌کدرا اختیار ود، برای گرفتن امتیاز تاکید نمود. طبق اطلاع اطهار رات دبیرکل سازمان ملی، خاع کنونی در چیزها، بسیار خطرناک ایام است. اینها رات دبیرکل سازمان ملی که بر مبنای کراپشات سنا داده و پیش از آن دبیرکش عراق و ایران شناسنامه داشت، حاکی است که آتش بن در مرزهای دوکشور خطر تهدید است و همه شرایط موید متزلزل بودند.

دایلیک شماره	
۴ ص	تازه آزمونی برای در بروک
۱۲ ص	نفت اعتصابات سالگرد همین
۳ ص	اکتیر انتفاضه دهنده اتفاقی تکامل سازی

عقب نشینی امام در برایر موسیقی!

سی و نویں جنوب معدوم پاکستان

۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ - ۱۳۴۸ - ۱۳۴۹

جیبس کارکری در جستجوی الترناشوی دیگرانیک

در لحظه کشونی، برای دستیاری به این راه  
خطفنا مه ۵۹۸، تحقیک آتش سی هیئت حدی دارد و برای  
این کار، عقب کشیدن نیروهاي نظامي به مرزهای  
این سلسله نشست قطعی اینها می کند، علاوه بر  
آن لازم است اسرائیل بیدوست و سطح کارا مل آزاد  
و خود را زکفت داد و طلبانه همه آشنا به میهن خود  
نمایند شود، بنابراین حافظه زندگی این انسانها  
و سلله استیا زکرفتن های با چخواهان شود. در لحظه  
کشونی احرار علائمه ویسی قید و سرت طرح پیمار  
نمایند اما دیرگل سازمان ملل را به پیشرفت و غلبه  
بر مکالمات و مذاکرات را می گذارند، دور زیم باشد  
که بین کارشناسی و دفعه الوقت، این طرح را به اینجا  
کهارند.

حسا سیت اوضاع در مژدهای دوکشور، سورای منیست  
سازمان ملی گی اعلامیه ای از هدود کشور خواست که  
برای پیش رفت مذاکرات بربا یه طرح چیز رساناده ای  
حدا کثر لش خود را با این طور آوردند.  
روابط مولی حل اختلافات و احتساب از درگیری های  
ناتایزه ای این است که طرفین سیم شروع است مرار حالت  
جنگی را کما ملا قطع کنند، فرادراد ۱۹۷۵ میلادی  
زایده عنوان مبنای حل اختلاف مزی و وکفتگی و  
بینزین بریند به تحریک علیه یکدیگر پایان دهنده و همه  
حل اختلافات را طریق مذاکره حل کنند.

کارشنکنی ...  
بقیه از صفحه‌اول آشیان است مطابق این کزارشات، در برخی از نتایج، فاصله‌نمودهای دوطرف تنها ۲۰ متر بوده‌اند. در چین شایعی تحکیم آشیان سی و جلوی پرندگان مذکورات اهمیت جدی یافته است. این امر مربوط‌قبل از همه در کرو و ادادشت دور زیریم، به ویژه روزیم صدای مدهی پس کشیدن شیروهای نظر می‌خودیده بست مرزهای شناخته شده در قرار داده‌انجیزه است. علاوه بر این لازم است که اقدامات دور زیریم برای نکشداد شتن هردو کوش و در حال است سیچ جنتی و گلستانی داشته باشند و بوسیله مرزها، محاکم شود و با فشارهای موضعیین لمللی داخی روبرو گردد. در همین راستا و با دریافت

زندانی سیاسی آزاد باید گردد  
مهاجرین باید آزادانه  
به کسشور خویش بازگردند!

خواست مردم و ... سقیه از صفحه اول  
 مثنا به مهمترین اهرم‌گشترش کیفی مبارزه طبقاً تی  
 و بسط امکانات توده‌های میلیونی که اگرچه بریست  
 عده را تشکیل می‌دهند، هنوز نهانه‌ای امنیتی از آن‌ها  
 شنیریکی ازین‌سی دی ترین آج‌های نیروهای مسلح  
 شرقی را تشکیل می‌دهد. اگر در کشورهای پیش‌فرست  
 سرمایه‌داری مبارزه در راه بسط و تحکیم مکرانی  
 جانشین حاکمی دارد در گذشته ای استندازده و در  
 حال پیشرفت با زهرم‌براهیت چنین مبارزه‌ای فزوده  
 می‌شود.  
 علاوه بر تجربه کشورهای سرمایه‌داری، تحریبه

البته همه این رژیم های شدیدترین تسلیعات خود  
اما دادعه آزادی "دمکرا سی" است، مستخفه ایان و  
محروم ایان، عبارتی کرده و می کنند، مذاقحته ایان  
رژیم های اسلامی سعی می کنند شدیدترین و  
نهایتی ترین شرعاً رهای مردم بسیاره اصطلاح  
حالی این دادعه ایان جویا ندره علم سلامی  
شناکون به همین بخواست های پیش از مردم  
نمی تکنند با ساختند اذانت، تاریخ نشان داده است  
نهایت شرعاً رهای فرمطرا عدالت جویانه ایان رژیم های  
پیز خرسه ای شدیرای فریب و سرکوب مردم و سماهی ای  
سیاستی خواهند داشت.

متاسفانه ایان مجا هدین خلق نیز در بی  
پیغمبره بردا ری ای اسلام و متعلقات مذهبی و فرهنگی  
مردم به منظور استقرار یک رژیم غیربد مکرانی  
ست. وقتی سازمان مجا هدین استقرار حمیوری  
مکرانیک اسلامی را به عنوان حرف مقدم خواهد  
علام می کند، یا یک سوقداد را دکدر بر روزگار  
همیمنی قابل همه مثل کندویان استفاده ایان همچنان  
برادرانی که خمینی به وسیله آن مردم را فریب داده  
شناک خود کشید، مردم را به سوی خود کشاند، و از سوی  
یکی از قدردان را زان و سبله رای مقابله با سپر  
پرروهای ترقی خواه سهیره بکیرود، واقعیت این است  
که رایی حریبه مجا هدین می شنترد مقابله با  
پرروهای ترقی خواه است که مخالف در ای میزی دین و  
ولت اند.

وَلَوْلَتْ دِرْمِي بِيَزَدْرَهْ كِشْرِينْ تَلَوْهَدْ زَرْي  
يُونَدْهَهْ مُورَدْنَظَرْ مَهَدْهَهْ دِرْمِي بِيَزَدْرَهْ كِشْرِينْ تَلَوْهَدْ زَرْي  
بِيَزَدْرَهْ كِشْرِينْ تَلَوْهَدْ زَرْي هَهْ مَهَهْ بَهْ طَخَرْتَاَكْ تَرِينْ وَبَا زَدَا رَسَدَهْ  
بِيَزَدْرَهْ كِشْرِينْ تَلَوْهَدْ زَرْي مَاهْ دَرِبَرَا بِرَتَامِينْ دَمَكْرَايِسْ وَأَزَادِي هَهْ  
بِيَزَدْرَهْ كِشْرِينْ تَلَوْهَدْ زَرْي وَاجْتَمَاعِي اَسْتَهْ. اَمَوْزَدِيكِيْكَهْ سَلَطَتْ وَهْ  
الْمَلَاطَفْ دَكْرُشَرْمَا اَسْتَهْ اَسْتَهْ خَوْرَدَهْ بَيْسْ دَادَهْ اَنَّهْ زَرِيمْ  
الْمَلَاطَنْيِي اَشَاتْ كَرْدَكَهْ قَدْرَسِيْتْ دَمَكْرَايِسْ رَا عَابِتْ  
نَدْوَقِيلْ اَزْهَرْجِيزْدَهْ لَهْلِيلْ مَحَالْفَتْ اَنَّهْ زَمَبَسْ  
مَكْرَايِسْ بَوْدَكَهْ مَرَدَمَهْ بَيَا خَهْ مَسْتَدَوْآنْ وَأَسْرَنْكَهْ وَنْ  
رَهْرَدَهْ دَوْهَهْ رَوْبَهْ نَصَسَلْ تَرِجَهْ سَهْهَهْ دَادَهْ وَ  
يَكْتَاهْ تَوَرِي يَاهْهَهْ اَسْتَهْ دَيْكَرَهْ اَنَّهْ زَهَهْ كَافِيْهْ مَرَدَمَهْ سَا  
اَهْهَهْ بَيَا كَوَهَهْ اَسْتَهْ كَهْدَعَهْهَهْ بَيَوْ كَهْشَهْ دَادَهْ  
الْمَلَاطَنْ طَلَبَانْ دَرِبَاهْ زَادِي رَا يَا زَشَنَا سَنَدَوْهْ كَوَهَهْ

دی همچنان مبیتوی اخراج و زدن در بین دندر دیدگشته  
بروشن مریم و مسعود در سازمان معاهدین و تدبیر  
جای خود را در سازمان معاهدین به پرستیدگان ساده مریم و مسعود و خفاظتی  
شدو برگذاشتند که هر آن معاهد ساخته شد، همه و همه کواه آن است  
در جشن ازدواج این زوج را موسیا پیشوا با معاهدین  
بیزی خواسته بود که در حفل اسلامی بد عاید  
شون که در آن میباشد کیش برگشتن روحی را بیچ  
ود، مشاهده ننمیکند.

# سازمان آزادیبخش فلسطین

## به : شورای مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین

هرمزگرا می بار عرفات  
کمیته مکری سازما فداییان خلق ایران  
(اکثریت)، با سور اعلام تشکیل کشور مستقل  
لشتن را که در راست حقیق آرمان دیرین خلق  
خفرمان فلسطین در تعیین سرنوشت خوش است، به  
سازمان آزادیبخش فلسطین شادیا می گوید.  
اعلام تشکیل کشور مستقل فلسطین توسط احلا  
نوقا العاده شورای ملی فلسطین، در پی میباشد  
خشکی نادیر و روزگاری میباشد و خلیف فلسطین ضریبی ای  
جی بتعجب و زکاری های دولت مصیونیستی مرا بایل  
وارد وردید است. خلیف عرب فلسطین اکنون باید روزه  
خود را غیرلبر کرد و بندیده شیوه ای روسن تراودا مخدوا هداده.  
کیفیتی جدید و بندیده شیوه ای روسن تراودا مخدوا هداده.  
اعلام تشکیل کشور مستقل فلسطین و پیشیدانی  
لیافا مله تعدا دکتری ازکارها، سازمان های سیاسی  
و محاذیین اسلامی یک موافقیت مددی برای سازمان  
آزادیبخش فلسطین و مایه اعتبا روزانه زیوان است.

دوسنگ کرامی مردم میهن ما در پیروزی و سرور خلق فلسطین خود را شریک میدانند، و انتکل کشور فلسطین و میان مردم آن تا پیروزی شایی قاطعانه پیشیابی میکنند.

کبینه مرکوزی سازمان فدا بیان خلق ایران (ا) اکثریت، با ردیگر حمایت قاطع خود را از میاره اعلام خلق فلسطین و انتکل کشور مستقل فلسطین اعلام می داردو برای خلق به پای خاسته و قیصر ما فلسطین بیمه های بارگاه میکنند.

کمیته مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکشیون)  
۱۳۶۷ آبان - ۲۸

بتوسا نداشتگار را خلاقيت های مردم را برانگيزنده و پا و رآ تهاراه بپروری ساخته هاست و بيرتا به همراه  
دکتر گون سازی طلب گشته و سیاست های اقتصادی  
نوین را با حسرعت و شتاب پیدا خواهد روند.  
در این میانه، کارهای زیادی خودت گرفته و مکالم  
پرسوهه های تولیدی که هنوز ظرفیت خود را برای  
بنانهای مین نیاز مند های اقتصادی کشور حفظ کرده و  
یا ازستنداده اند، اخیراً یا جدیدی گردند.  
نوسا زی و نواندیشی ملکه مnasas است  
بین المللی اتحاد دشواروی بیش از هزار هزار دیناری  
کارایی خود را به شیوه رسانده است. کما همچنان  
هزارگی کددرا راهها را خطرناک هسته ای و مسابقه  
تبلیغاتی برداشتنده است، از درختان شترنبرگ-  
دستواردهای هنچیش نوسا زی در اتحاد دشواروی محسوب  
می شود. اگر ناتوانی برای بیرون می ساخت  
بین المللی اتحاد دشواروی و همچنین مالتم آمیز  
دولت های بانظمهای اختفت به وجود آمده است.  
نوسا زی حرب کمونیست اتحاد دشواروی در  
مناسابات با احزاب کمونیست و کارکری، جنبش های  
ددمکریستیک و ترقی خواهیان تاثیرات و تغییرات  
محسوسی را به وجود آورده است.  
تعولات نوسا زی در جنگ خلق چین و جنگ  
نوسا زی در اتحاد دشواروی شرایطی را پیدا کرده است  
که می بیند از این مnasas تشره میان دو حرب کمونیست  
چین و شوروی طی ربع قرن، نقطه بین گذارد  
پیشوای موقوفیت آمیز روندن نوسا زی در اتحاد  
شوری ای روسیه سکرشن احزاب کمونیست و ترقی خواه  
جهان نسبت به سوسیالیسم از جهات گوناگون اش  
خواهد گذاشت. از ایکوس زدودن هنگ هشنه تنسیم مجرد  
و تختیلی از سوسیالیسم، جدا از تکامل نیروهای  
موبده، رفاه و عدالت احتمالی را در بی خواهند  
داشت و از رسیدگیر سیمای عیقا انسانی و  
و دمکراتیسم سوسیالیستی را روشن تر خواهد گردید.  
بدین ترتیب نقوس انقلاب اکتسبره معنی سان که  
بر پا گشته اند گاهی از مشتاقانه در راه تحقیق  
قریباً این های بسیار وحشتناکی های شگرف از  
خودنشی داده اند طبقن تاریخی خود را در روند  
پیش از میانه، و همانندی با میانه.

پیگرد همه افسران، درجه داران، سربازان و سپاهیانی که به خاطر عدم تمکین به سیاست‌ها و فرامین جنگی تحت تعقیب قرار گرفته‌اند و پیگرد همه مشمولانی که به هر دلیل از خدمت سربازی و یا رفتتن به جبهه‌ها و خدمت‌به جنگ سر باز زده‌اند پاید فوای متفق‌گردید.

بینه مرکزی سازمان به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی  
به مناسبت ۷۱ مین سالگرد انقلاب کیم اکتبر

دِ فَقَائِي گُواہِی

به : کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی  
به : رفیق میخاییل سرگیویچ گاراچ، دبی  
کل حزب کمونیست و صدرشورای عالی اتحاد  
حنا هب شوروی سوسالیستی

کمیته مركزی سازمان فدائیان خلق ایران  
ا) (اكتربت) فر ریسیدن سالگردان نقلات سوزنگری  
سوسایلیستی اکتبر را به شماره رفاقتی گرامی و به همه  
مردم مذهب تکنیک و صلح دوست اتحاد شوری و حمایت شده  
شادباش می کوید. حسن بزرگ اکتبر، یا آدوار و پیشتر  
شکوهمند است ریخیساز طبق های شریف اتحاد شوری  
پیرای پیروزی بر استندا روسنم و استبداد وینشای  
کشوری پیرای مصلح و دمکراتی و عدالت است. این  
آرمان های مقدس که طی هفت دهه پیش از پیروزی  
اکتبر در فرش راهنمای مردم اتحاد شوری بوده  
اکنون در هنگام نوسازی امیدا فرین زندگی ملی  
افتخاری - اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ملی  
شوری و ژرف ترود رختان ترا آز هر زمان حلوه گردیده  
اند.

کمیته مرکزی زاده ایمان را در ۱۳۷۰ به عنوان ایام روز ملی ایران  
کنگره ای انتخاب کرد. این کمیته برای رسیدن سالارکوهای انتقال کمیته  
کنگره ای ایام روز ملی ایران را در ۱۳۷۰ برگزار کرد. این کمیته  
در این کنگره ای ایام روز ملی ایران ایام روز ملی ایران را در ۱۳۷۰  
برگزار کرد. این کمیته کنگره ای ایام روز ملی ایران را در ۱۳۷۰ برگزار کرد.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران  
ا) اکثریت برای حرب کمونیست و همه مردم اتحاد  
شوروی آرزوی پیروزی در این سردرزیگ و تاریخی  
را زدارد. ما اطمینان داریم که پیروی امنوسلی  
قد راست آرزوهای مردم شوروی را جاهد عصیانی  
بیش اندوراها بینهای هرجو درخواست را  
روی آنان بازگنده.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران  
اکثریت با ردیکتر فرا رسیدن سالگرد انقلاب کبیر  
اکابر را به کمیته مرکزی و همه کمیونیتی ها و همه مردم  
شحادو شوری سادباش کفته برای همه رفقاء  
هر زمان آرزوی موقیت می کنند.

سے، جس کو ۱۹۷۰ء کی دوسری دنیا بھر میں پھیلائیا گیا۔

## نوسازی تکامل دهنده انقلاب اکتبر

رایه پیکار علیه تمدنی پدیده های منفی دعویت  
می کند. اما برای مردمی که سالانه طولانی در  
مسارکت فعال در اداره ها مور و ایران آزاد انتظارات  
و انتقادات خود شمری نمی دیند، زد و دن روحیه  
تعکین به سوز و کرا تیسم و حافظه کاری به آبادانی  
مقدور نیست.

رهبری حدب حزب کمونیست اتحادیه روسی

نوسازی در زمینه موفره هست و معنوی جامعه  
بیش از هر عرصه دیگر شتاب با فتحه مورداً مستقل اکثر  
روشنگران و شناخته های ایجاد و بیان سیاست را  
کشور قرار گرفته است. در پیش های هنری و فرهنگی  
و علمی کشور، تدبیر و تاب حذی پیدایند و موقای خلاقه و  
استکارات فکری و علمی و تحقیقاتی ارزو، شمشود  
و نسایا فداء است.  
دگرگون سازی در عرصه اقتضادی با تکیه بر  
رشد نیروهای مولده، بهره‌گیری همه‌جانبه از انقلاب  
علمی - فنی معاصر، عرصه اصلی نوسازی انقلابی  
حا معمشوری را تشکیل می‌دهد. موقفت نوسازی و  
نواندیشی در گرواین امرات که حزب و دولت چگونه

سال های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶ و سه ماهه اول سال ۱۹۸۷ ترتیب ۱۳۳/۹، ۱۳۴/۶، ۱۴۷/۴، ۱۵۹/۳، ۱۴۰/۶، ۵۶/۲ و ۶۰/۱ اعلام کرد. یعنی در آن مدارزی کشور ما تحت تاثیر کارکش ارشاد دلار در سال ۱۹۸۶ قیمت خارجی شاخص بود و در سطح تولیدیان معادل نصف سال ۸۱ سوداگری بود. با سرسری این ارتقای مهرها از مدارزی مربوط به کارکش قیمت نفت، مقدار کاهش در آن مدارزی واقعی کشور از سال ۶۵ بدیندرورونش مشهود است. جناب شرایطی سوداگر ریز خیمنی نص من تشکیل شد. توجه خوبی داشتند که این شرایطی سوداگر ریز خیمنی نص من تلاش برای درآمد نفت و جنگ خناستگاری شده اند با استراتژی اقتصادی خود را با اعلام قائم دستگیری تحقیق نهادند. در پراخام وضع گذشته، که بر این میان از پی ریزی کرد. مهور ترا می بیند این اقتضا داد روزمرار شفیره را زیر هر قیمتی تشکیل می داد. بین اینها یک بود که فروش ارزان و بی حساب نفت علیرغم ادعای همای شعارهای رنگ و رنگ و رنگ بوده شد. درنتیجه جناب وضعی پیدا داده است که محمدسلامی نیما بیند و مجلس مجلس محوری شود اعلام نماید که: «پس از ازدواج ده سال کما زا انقلاب اسلامی گذشته است با توجه به اعمال نظرها و تحملی راه حل های اجرایی این مطالعه با شرایط انقلابی و بنیادنای تفکرات غیر ایرانیانقلابی در ووندحرکت جامعه و درنهایت با کارکری شیوه های مختلف تسلییمه به منظور تلقین نویمی محافظه کاری و به عبارت بهتر سوق جو عمومی فکری جامعه طرف اسلام میریکا، انجام کارهای تحقق نیاز فنهای ای و اکدرا و ای انقلاب اسلامی در پروردش راه اسکناس یا فتنه بود، منکل می شاید (کیهان ۳۱ خرداد ماه ۶۷). به بینان ساده بینتی وضع نسبت به زمان انقلاب بدتر شده است ضمن آن که جنم اند از روشن و میدخشی شیز وجود نداشد.

عقب نشینی ۰۰۰  
همین امروز مردم مطابق عرف خودا زطريق شنوا،  
و ویدئو شو و غیره نمی شنودوا شا عنیده هستند  
مدونو فرمایند

به نهوندگری از رهمندهای ما م "توجه"  
کنید. در باخ به " مدیر کل " درموردرشرکت زنان د،  
دسته کریما مصرا، می فرمایند: "اگر فساد داشت  
نمایند، نباشد سفاهه کرد."  
و افلاک "سیاست" به جدا علایان دراین  
رهنموده "حکیما نه" تبا زبده اگرداد است. آقادار  
برای این رشوا یک علامت شوال می کنند از این  
با پدربرسید، مگر که این است که زن‌ظریک آخوند  
قریزی روکوه شرکت زنان در دسته ای و زوختی "سدو"  
هوکونه موت خوشی از منجره این طایفه "قادار" اگر  
است. مگر این شوندوه زنان نمی گویند که زیر گفتن سیاست  
ینهان شوندوه هنگام محبت با یک مرد، اگر  
دردهان کنندتا موت آنها کریمه شود" مذکور  
برین زن نگیرد؟ حاچاکونه ممکن است جنین مغزاها  
پویسیده ای دهدختران بیجا رخوده دویا بدزنان  
دوسزشگان این وطن مستبدیده، اجازه دهدند که در دسته  
آواز، نوای دلکش سودهند و شوندگان را خستند  
شادمان کنند؛ نهانها دریک مورث، زورو فشا  
مردروها تسبیت. با یخ آقای خمینی درموردرشرکت  
زنان و دیدگران سیاهی ای به خودی خود جیزی جـ  
نششی احکام بیوک و دوپله لوبنیستند. سروش ایـ  
احکام مدرگر و میزان فسرا رجا معهابر حکومت و جکونک  
تفسیر "شولیون" است. میتوان شایر منفا و شـ  
از این احکام مداد، ما در هر مرور روش است کـ  
صدور همین مجموعه احکام دوپله و میهمان دستیزه فـ  
ندیدجا مده و شکست عملی سیاست های هنرستیز اـ  
رژیم، و در راستای عقب نشینی های ججری "ولایت فـ  
دریا" سیری خی و افلاک والزمات قرمزا و بـ  
یک حامه خوشان است.

انک در دایر آزمونه، قازه

در تدارک هشتاد و چهار مین ا جلس وزاری نفت  
کشورهای عضوا و پک در واخراجان ماه، ا جلس مشترک  
کمیته‌های قیمت‌گذاری و تسعین استراحتی بلند  
مدت این سازمان دروین برگزار شد پايان بختيدن  
بهای نفت که برخی رژیم‌ها به دویزه رژیم عراق بیش  
از همه برآن دا من زیندند، عددة تیرین وظیفه‌ای  
است که درستورا جلس آتی او پک قرارداد.  
— او پک (سازمان کشورهای صادرکننده نفت) در  
اطول حیات خود می‌گشکل فراغی و اتنی موافقه بوده است.  
اما دوره کوشی از مشکل تربیت دوره‌های حیات  
آن است. این سازمان در میان در میان ۱۹۶۴ و  
شرکت ایران، عربستان، عراق، کویت و نیوزیلند  
تشکیل شد و اینک دارای سیزده غضواست، که تولید  
کنندگان عده نفت در میان کشورهای عضوی هستند.  
سویا لیستی هستند (علاوه برینگ کشور فوق الجزایر)  
اندونزی، لبی، امارات متحده عربی (قطر، ابوظیبی)  
نیجریه و کابن نیز بسیار غضوا و پک شدند. این  
سازمان با حدف تعیین و تشییب بهای نفت خام  
و فرآورده‌های نفتی در برابر اراضی جهانی تهیی و  
تنظيم مقررات هما فری می‌باشد و تشییب می‌زان.  
و اتفاقی مالیات دریا فتی از مشکلات های نفتی در  
کشورهای عضو، تطبیق شرایط مندرج در قراردادهای  
نفتی با مقتضیات روز، باید اینها هنگی درسی است  
نفتی کشورهای غضوا برکشوارهای عضویا برکشوارهای نفت  
خیزجها تشکیل گردید.  
همانطور که از لیست اسامی کشورهای عضو  
برمی‌آید، اینها دارای رژیمهای سیاسی و موقعیت  
اعتمادی می‌باشند سیاست متفاوتی هستند. این از مشکلات  
حدی رادراده احمدی می‌باشد از میان به وجود می‌آورد  
وعلیرغم تفاوت اعماق، جهت عدم داخلت می‌باشد سیاسی  
در پیشبردا مورا و پک، در عمل هر کدام آنها در مقاطعه  
اختلاف سعی در داخلت دادن اهداف سیاسی خسودر  
این سازمان داشته‌اند.  
تلش و پک برای تعیین سقف تولید برای  
اعماق و ایجاد همگنی با کشورهای صادرکننده غیر  
او پک ضمن آنکه تو است قیمت ها را زیست ۱۵ دلار  
موقتنا ۱۸ دلار پسند، ولی بدلا لای فو در عمل  
کارهای تدبیری آن نگردید، اختلاف نظر میان اعماق  
به حدی رسیدکه ا جلس مشورتی اردیبهشت مسماه  
۶۷ او پک که با شرکت تعدادی از کشورهای غیر او پک  
تشکیل شده بود، به هیچ ترتیبی منجر نشد. ا جلس  
خرداد دادمها این سازمان نیز تنها تو است توانی  
تقلیلی تولیدکاران همچو سقف تولید را که عرق هنگز بین تنی  
تنداد دیدیگران نیز در عمل آن رانچی کردن، مسورد  
تا بید مددقا ردهد، ضمن آنکه عراق مجدد احضر  
بر عایت سیمهه تعیین نده خودگردید و دیگران نیز  
با زیمه مصوبات خود متعهدمندانند.  
تبایه راهی ارزی سیاست کشورهای عضو  
او پک و دیگر کشورهای صادرکننده نفت و کا هش شدید  
در آندا زی آنها بدبنا ل کا هش قیمت نفت و کا هش  
ارزش دلار، تلش و پک برای فروش هوجه بیشتر نفت را

راه آزادی، ...  
می‌گوید در صورت تعطیل "نهشت" ملت ایران خواهد داشت که حکومت ایران نا ب تحمیل آزادی را مدارد.  
البته که تعطیل "نهشت" هم شناهی خواهد بود بر عدم تحمل آزادی ازسوی وزیر امام جعفر فقط وقتی "نهشت" تعطیل شد ویا "نهشت" زیر فشار را فرا رکرفت، قدرت ایران تازه‌تری می‌پیوندد که مردم این را ب تحمل آزادی راندند؟ آیا فیاض ابر "نهشت" و ایضاً تعطیل آن، همیشته باشد زهرا ای اعدام دهها هزار و زندانی و صدها هزار رمها جروسوکوب چندین سازمان شرقی خواه و پرسابقه برای اثبات عصی و اعاده دادند اسلامی دارد؟ آیا منظور این ایضاً زرگان آزادی است که این گونه اظهارات را باید ملت و "جمعيت" است کهند؟ بدون شک با مثبت به این معرفه می‌گذرد هر چیزی را می‌بردیل دست حکما مکنونی این شنبه‌نشانه روش است که شناساست آقای بازرگان به ایشان اجازه می‌بخشد مشتبه مسئول های فسق و را چی دهد و همه می‌توان گفت که می‌ساید "نهشت" تایید نمی‌شود؛ سرکوب های رژیم است. این انگیزه‌سکوت اینجا بآقای بازرگان دربرابر این همه خوشبیزی، دربرابر این همه فشار برزندانیان دربرابر این همه سرکوب چندین سازمان روزمند و ترقی خواهد چشمترد این را در حق کله خودرا اگر قدر که می‌داند "نهشت" دودلیل غمده را می‌توان در آین جاذکرد، ولولا، آقای بازرگان بیوندهای مادی و معنوی جدی ایشان را که مکنیونی دار و جوهر ای اینها بیشتر از این و راحت می‌بینند تا در همسایگی سازمانهای خواهان مرگکوئی رژیم جمهوری اسلامی. شناسایا، استراتژی اصلی ایشان تا میان آزادی برای "نهشت" و "جمعيت" است و تاکتیک شان نیز می‌گردد. اگر آقای بازرگان از همه همینها ری خودپیش

راستاها و هر صدهای رشد و تکامل اقتصاد را در بر گیرند. آیا این خود یکی از حل عینده بخراست استراتژی تنظیم مکتب کنیز جدید نیست؟ خود فرمول بنده اهداف محافظه کاری جدید بیانگر تلاش آن برای رهاساختن رشد و گسترش اقتصاد از حصار دخالت مفتوح به نظامی محدود دولت است: «بوروکراسی زدایی»، «تنظیم زدایی»، «ماتند ملی زدایی» و «تلان...». حتی چنین نظری ابراز می شود که گویا محافظه کاران جدید می خواهند ایده «رُوال دولت» را تمکن پیششند.

اگرچه باز سیاست اقتصادی محافظه کاران جدید بر دوش اشاره محروم اهالی سنتی هم می کند، این سیاست به طور عینی برگره نیازهای انقلاب تکنولوژیک سوار است، پاسخگویی به آن نیازهادر شکل محافظه کارانه، پیش از همه برای آن محافظی از بورژوازی انصاری مفید است که با شرکت های بزرگ فرامی مروبطند و در تخفیف کنترل دولت بر اقتصاد ذینفع مستند اما با این وجود، این سیاست موجات رشد اقتصادی را فرامی گیرد و بخش قابل توجهی از طبقه کارگر و اشاره میانی جامعه به لحاظ مادی کم و بیش از آن سود می برند (عمدتاً به زیان منافع درازمدت طبقاتی که هنوز - از جمله به غلت فقدان، الگرناطیو قاتع کنند - درک نشده اند) و در انتخابات به محافظه کاران رای می دهند.

آرایش جدید نیروهای اجتماعی باوضوح کافی مشخص شده و در فرمول «جامعه دوسوم» بازنگری موقته است. در ماهیت امر، سازشی از اکثریت شکل می گیرد که در آن به موازات آن اشاره میانی که رواییه ضد دخالت دولت داردند، آن بخشی از طبقه کارگر هم که نیازهای سنتی اش در بستر سیاست محافظه کاری جدید برآورده می شود، شرکت می کند، این امر برپایه سلطح امروزین تولید کاملاً امکان پذیر است. برخی از شوریسن های بورژوازی حتی از واقعی یومن تعیین حداقل درآمد تضمین شده برای تجارتی اعضا جامعه مستقل از فعالیت کاری شان صحبت می کنند. در مورد نیاز به نظم عالی تر هم باید گفت که این نیاز هنوز از جانب طبقه کارگر درک نشده است و فعل اثباتات جامعه سرمایه داری را تهدید نمی کند. به هلاوه بخش قابل توجهی از به اصطلاح کارگران جدید هم که خواست مقدم شان را رفاه مادی تشکیل نمی دهد به این سازش تمایل نشان می دهند. اما آنها در مدرنیزاسیون جاری تولید شیوه تثبیت خصلت خلاق کارگری بینند. بدین ترتیب به قول پژوهشگر فرانسوی ر. سوبی، «موقع گستردۀ موافقت با مدرنیزاسیون» در حال شکل گیری است.

سرمایه داری با استفاده از ثمرات پیشرفت تکنولوژیک نارضایتی حاد اجتماعی را در میان اقلیت رنجیر - کارگران رشته ها و حرفة هایی که با پیشرفت فنی از دور خارج می شوند، بیکاران، جوانان بلا تکلیف، و معاهیرین - که تقریباً یک سوم اهالی قادر به کار را تشکیل می دهند و موضع دفاعی دارند، مهار کرد، نارضایتی با سیستم خیریه اجتماعی که در زمان محافظه کاران جدید هم حفظی شود، مستهلك می گردد. نارضایتی غالباً به شکل اعتراض اتفاقی، بلکه به صورت افعال سیاسی، بی تفاوتی، عدم اطمینان و یا به صورت رشد روحیات ناسیونالیستی و شوونیستی تبارز می یابد که ارجاع راست افراطی راست افرادی را توهم می کند.

پشتیبانی توهد ای از مشی محافظه کاری جدید تا اندازه قابل توجهی ناشی است از استفاده ماهرانه از نارضایتی اهالی نسبت به بوروکراتیسم دستگاه دولت و توسل به تحرك فردی و ارزش های اخلاقی سنتی در برابر فساد، رشوه خواری، لایالی گری، ابتدال فرهنگ توده ای وغیره. برخی گرایشات رشد آگاهی توده ای نیز محافظه کاری جدید را تقدیم می کند. دینامیسم فوق العاده بالای رشد و تکامل اجتماعی در دوره پس از جنگ و در هم شکستن سریع ساختارهای اقتصادی و اجتماعی که خود ناشی از همان دینامیسم بود در میان اشاره وسیع اهالی جامعه سرمایه داری کششی ایجاد کرد به سوی ثبات و ارزش های سنتی مراوده ساده انسانی، مراوده های ناری از بی هویتی بوروکراتیک، و این همه زمینه مساعدی را برای موفقیت هوان فریبی اجتماعی محافظه کاری جدید فراهم می اورد.

باید گفت که بخش محافظه کار بورژوازی انصاری ابتکار پیشبرد اصلاحات ساختاری اقتصادی و اجتماعی که خود ناشی از همان دینامیسم بود دست دارد. چنین کارگری و احزاب آن در حالت دفاعی منفعل قرار دارند و فعلاً از پشم انداز الگرناطیو مشخص بی بصره اند. استراتژی سویا- دمکراتیک کیتسیسم به آن حالتی که در دوره پس از جنگ شکل گرفت امکانات خود را به پایان برد است. ایده پیشنهادی احزاب کمونیست یعنی دموکراسی ضد انصاری هم کارایی ندارد. این ایده ناظر بر آن بود که نیروهای دمکراتیک در دولتی که سیاست تنظیم حیات اجتماعی- اقتصادی جامعه را پیش می برد مواضع کلیدی را تفسیر کنند. لیبرالیزه و فیرملی کردن اقتصاد، زینه این مولفه های استر ازیک را تخریب می کند. یکی از ملل طایعات جدی احزاب کارگری و بعوان اهداف ؟ که این احزاب از آن رنج می بینند، در همین جاست.

کمو نیست ها - و آن هم نه تمامی آنها- تازه دارند به درک تمام اهمیت و ظیفه تبیین نتایج انقلاب تکنولوژیک جاری نزدیک می شوند. آگاهه که تو دیگر کل حرب کمو نیست ایتالیا در گزارش خود در پنجم ماه ژوئن کمیته مرکزی اظهار داشت: «ما موظفیم روندهای قطیم بازسازی و مدرنیزاسیونی را که در سال های اخیر در جامعه ما جاری بوده است مورد ارزیابی قرار دهیم. باید نتایج و ظیعات این روندها و الزامات اداره

جنیش کارگری در جستجوی آلتراقیو دمکراتیک از مجله «کمیته» ارکان سیاسی-شوریک کمیته مرکزی ج. ک. ا. ش. شماره ۱۴۵، ۱۹۸۸ یوری کراسین در سال های مشتمل جنبش کارگری کشورهای پیشرفت سرمایه داری با پدیده ای روبرو شد که «موج محافظه کاری» نامیده می شد. محافظه کاری جدید (ٹوکانسر و اتیسم) جای سیاست دولت را که به تنظیم اقتصاد و با توزیع در آمد ملی به سود اثناش کم بخاطر اهالی متول شده بود، گرفت و منشور خود را اعلام کرد: آزادی فعالیت بخش خصوصی و حذف هرگونه محدودیت ناشی از دخالت دولت در روند باز تولید.

انتقام اجتماعی در رابطه با آن دستاوردهایی که جنبش کارگری و دمکراتیک در دوره پس از جنگ بدان نایل آمده بود، معرفی بود که محافظه کاری جدید بر پیشانی داشت. از این رو در ابتداء نظر می رسید که «موج محافظه کاری» به زودی می بایست مقابله اکثریت اهالی را بر انگیخته، فروکش کند. آخر این موج، افزایش بیکاری، بازستانی دستاوردهای اجتماعی رزمیکشان، تشدید گرایشات تجاوز کارانه سرمایه داری و تحکیم سیستم نواستعمری استثمار کشورهای را به رشد را به دنبال می آورد. لیکن محافظه کاری جدید برخلاف پیشینی های پرشمار، بسیار پایدار از کار در آمد و چیزی هم که به ویژه غیر قابل انتظار بود آن که پشتیبانی پایین را هم به دست آورده است. چنین کارگری یعنی احزاب کمونیست و سوسیال دمکرات یا مسالمه تغییر سمت است اثری روبه رو شدند. برای حل این مسالمه قبل از هر چیز باید روندهای همکنونی در رشد و تکامل تولید اجتماعی را به لحاظ توریک تبیین نمود.

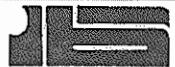
حل موقتی محافظه کاری جدید به آن تغییراتی در سرمایه داری بر می گردد که تحت تاثیر دگرگونی های ژرف در پایه های فنی - اقتصادی تولید اجتماعی، رخ می دهند. در هر سال های مفتاد و مشتمل انتقال، انتساب علمی - فنی در قلمرو سرمایه داری مفتاد و می پیشفرته به مرحله کیفیت افزایش گردید. هنر اصلی این تحول چنانچه ایجاد اجتماعی تولید کننده ای افزایش انتقالی در نیروهای مولده جامعه آغاز شد. چنین کارگری باید روندهای ساختاری تولید کننده تکنیک میکرو پرسه ها، انفورماتیک، تکنیک روبوت، سیستم های خودکار مدیریت، و بیوتکنولوژی.

اما آنچه که در پس این جلوه های بیرونی انتقال تکنولوژیک نهفته است، کدام است؟ تفکرات دور اندیشه هارکس در فصل دست نوشه های اقتصادی سال های ۱۸۵۷-۱۸۵۹<sup>۱</sup> (این فصل به رشد و تکامل سرمایه اساسی به عنوان شاخص رشد و تکامل تولید سرمایه داری اختصاص دارد) برای تجزیه و تحلیل روندهای جاری از اهمیت متولدولوژیک فراوان برخوردارند. مارکس در آنجا هواقب همان تغییرات تکنولوژیکی را شرح می دهد که در مصر ما مشاهده شده اند.

انتقال تکنولوژیک در ماهیت امر، صرف جویی فراوان کار زنده و بیرون رانده شدن آن از خودروند تولید را موجب می گردد. مارکس می گوید: «کار دیگر پیش از آن که در شمول روند تولید باشد، بر عکس، چنان کاری است که در جوار آن، انسان در رابطه با خود روند تولید همچون کنترل کننده و تنظیم کننده آن برآمد می گیرد... کارگر به جای آن که هامل اصلی روند تولید باشد، در کنار آن قرار می گیرد»<sup>۲</sup> (کارل مارکس و فردیک انگلش، مجموعه آثار، جلد ۶۴، پخش ۲، صفحه ۲۱۳).

بدین ترتیب ایجاد ثروت و اقتیع هرچه بیشتر به قدرت آن هواملی از تولید و استهله می شود که در صرف شده و هرچه بیشتر به قدرت آن هواملی از تولید و استهله می شود که در طول زمان کار بر هر حرف در می آیند و شمرده شدن نه بلا و اسطه بازمان پیشفرت تکنیک معین می شود. به لحاظ تحریری - تئوریک می توان گفت که این تغییرات در چارچوب مناسبات سرمایه داری نمی گنند (مارکس هم این نکته را در دست نوشه های اقتصادی یاد آور می شود) و گذار به طراز بالاتر از مناسبات تولیدی یعنی گذار به سازمان سوسیالیستی جامعه را طلب می کند. لیکن تاریخ از قوانین 'جبر تکنولوژیک' تبعیت نمی گند. انقلاب تکنولوژیک در شرایط سرمایه داری جریان می یابد، بدون آنکه به طور خودکار موجب انقلاب اجتماعی شود. اما البته وضعیت اقتصادی در کشورهای سرمایه داری از ریشه دگرگون می شود و این خود چرخش سیاست اقتصادی طبقه حاکم را به سوی واقعیت های تحوّلات انتقالی در نیروهای مولده زمان کار و کمیت کار ضرف شده و هرچه بیشتر به قدرت آن هواملی از تولید و استهله می شود که در کار لازم برای تولید آنها، بلکه با سطح علومی هلم و کاربست آن در تولید و پیشفرت تکنیک معین می شود.

به لحاظ تحریری - تئوریک می توان گفت که این تغییرات در چارچوب مناسبات سرمایه داری نمی گنند (مارکس هم این نکته را در دست نوشه های اقتصادی یاد آور می شود) و گذار به طراز بالاتر از مناسبات تکنولوژیک تغییرات ساختاری همی تئوری را در تولید اجتماعی- اقتصادی بودگه از چارچوب ملی فراتر می رفت. کاربست تکنولوژی های منعطف که مواجبه کاری جدید بازنگری می شود، اهرم های داری می شود. تکنولوژیک تغییرات ساختاری های مولده زمان را در شرایط سرمایه داری مستلزم رهاسازی اقتصادی از قید تنظیم سفت دولتی، کامیش فشار مالیات دولتی، تشویق ابتكار کارفرمایان، رسیک در شرکه مختلف تلاش برای دستیابی به راستهای آینده دار پیشفرت تکنولوژیک، و تیز مستلزم سوخت همل در تضمیم گیری است و آن هم نه تنها در سطح موسسات بزرگ، بلکه مچهین در روندهای توسعه متوسط و کوچک. اهرم های دولتی تنظیم بلا و اسطه روندهای تویید بیش از عدد هریض و طویل و کم اثر شده و قادر نیستند تمامی



دموکراتیک و مبانی خودگردانی، عدالت اجتماعی، هلاقه وافر به رشد شخصیت و اشکال اپراز هویت، تامین شرایط برای فعالیت اجتماعی و حرکت ابتكارآمیز، و برخورداری زندگی از بضمون معنوی به نظر می‌رسد مبارزه همیشه سرایه‌داری در حلقه جدید حلوان تاریخ پرمیں پایه هم انکشاف خواهد یافت، به همین دلیل است که به نظر ما گنجاندن این ارزش‌ها در برنامه‌های سیاسی و پیوند دادن سیاسی آنها با وظایف مشخص گسترش تحولات دموکراتیک تایان اندماز هائز اهمیت است.

اتفاقی نیست که فعلی بیش از آن که احزاب کارگری، این چنین‌های دموکراتیک توده‌ای مستنده که شامل ارزش‌های جدید می‌باشد، منافع اقشار اجتماعی جدید و اقشار جدید طبقه کارگر در این چنین‌ها بازتاب می‌یابند، تبیین مارکسیستی این منافع و ارزش‌ها و پیوند دادن ارگانیک آنها با ارزش‌های سنتی چنین کارگری در فعالیت، برنامه و استراتژی احزاب سیاسی طبقه کارگر اهمیت هرچه بیشتری کسب خواهد کرد. این امر راه فردا را به روی این احزاب خواهد گشود.

محافظه‌کاری جدید تقدیری اجتناب ناپذیر نیست. آنچه اجتناب ناپذیر می‌باشد، انقلاب تکنولوژیک است. امامین که این انقلاب در کدام شکل متحقق خواهد شد. در شکل محافظه کارانه یاد را داشتند دموکراتیک - به تناسب قواو میازره نیروهای اجتماعی جدید سرشار از تضادهایی است فیر قابل حل، این مشی در عین آن که به تحول در نیروهای مولده مساعدت می‌کند، اما قادر نیست نیازهای دموکراتیک جامعه و فرد را که توسط خود این تحول و نیز توسط کل فضای جهان یکپارچه و متضاد را ایجاد می‌شوند، برآورده سازد. حصار پاترنسیسمی که این مشی می‌پرورد برای این کار بیش از اندماز تنگ است. ضدیت محافظه کاران با اتاتیسم نیز اجرای طرح‌های بزرگ اجتماعی - اقتصادی را بدون دخالت دولت ناممکن می‌سازد و این خود آن را وامی دارد تا در پیشیرد سیاست اقتصادی غیرفم نظریات خود به نیروی دولت متول شوند.

تضادهای محافظه کاری جدید زمینه را برای آلترا ناتیو دموکراتیک فرامم می‌آورد، اما این آلترا ناتیو به طور خود به خود بخود و بدون نقش فعال مامل ذهنی استقرار نمی‌یابد. در برای چنین کارگری این وظیفه قد برآفرانشته است که چنان گروه‌بندی جدیدی از نیروهای وجود آورد که به ایجاد اکثریت دموکراتیک بین‌جاماده، اکثریتی که قادر باشد بر پایه فعالیت اصلاح طلبانه در مقابله با محافظه کاری جدید متحدد شود. بلوکی از نیروهای لازم است که طبقه کارگر و اقشار میانی را که در میازره از خاطر شق دمکراتیک وشد سرمایه داری در قبال شق محافظه کارانه این رشد ذینفع هستند، در بر گیرد. این بلوک نیروهای متنوع دموکراتیک نمی‌تواند حدتی یکدست یا شبیه جبهه خلق باشد، بلکه بیش از هر چیز همکاری منقطع و برای حقوق احزاب، سازمان‌ها و چنین‌های خودمنختار و ناممکن است که از طریق گفتگو، تماس، توافق، اقدامات مشترک و موارزی مادیت می‌یابد.

اکثریت دموکراتیک به برنامه‌ای آلترا ناتیو در برای محافظه کاری جدید نیاز دارد. این برنامه باید به اندماز کافی باز و منعطف باشد تا منافع متفرق طبقه کارگر معاصر و اقشار میانی یعنی اکثریت جامعه را در خود ترکیب کند. برنامه اکثریت دموکراتیک باید بر شالوده واقعیت‌های حلقه جدید و تازه آغاز شده حلوان پیشرفت فنی و فرهنگی جامعه سرمایه داری بناشود. خطوط اصلی بر نامه آلترا ناتیو دموکراتیک که می‌تواند به پلاتزمن همکاری نیروهای دموکراتیک در مبارزه علیه محافظه کاری جدید تبدیل شود، به تدریج ترسیم می‌شود.

این خطوط در وله اول مطالباتی هستند که با تغییرات اجتماعی ژرف مربوط می‌شوند و می‌توان گفت در سطح زندگی اقتصادی قرار دارند. پیش از همه کامش زمان کار ضمن حفظ دستمزد که امکان می‌دهد هوابیت بیکاری ساختاری تخفیف یابد و زمانی برای تامین کمال بیشتر خودپویی فرد آزاد گردد. ایجاد سیستم گستره تجدید تخصص نیروی کار به حساب سرمایه بزرگ و بودجه دولت، از شمار این اقدامات به حساب می‌آید. این امر امکان خواهد داد که اشتغال کارگران آن حرفة‌هایی که در جریان پیشرفت علمی - فنی ممکن به فنا هستند، تامین گردد. گسترش سیستم ضربه‌گیر (سوپاپ)‌های اجتماعی که قادرند ضایعات بازسازی ساختاری تولید اجتماعی را تخفیف دهند و ضعیت اشاره محرومی را تسهیل کنند که با انقلاب تکنولوژیک به حاشیه زندگی اجتماعی رانده می‌شوند، از اهمیت فراوان برخوردار است.

تغییر سمت مدغم‌سرمایه‌گذاری به سوی هرصندی اجتماعی و معنوی یعنی به سوی فرهنگ، علم، هنر، استراحت، و حفظ محیط‌زیست، خواستی است که بسیار پیشتر می‌رود و روش است که این تغییر جهت مستلزم چنان تحولات سیاسی خواهد بود که سرمایه بزرگ را وادار کند به هزینه‌هایی از نقطه نظر او فیر تولیدی گردن گذارد. امتماً دموکراتیزه کردن اداره سرمایه سهام - سرمایه‌ای که چه در نتیجه خرد شفاضی سهام و چه در نتیجه شکل گیری صندوق‌های اتحادیه‌ای، بیمه، سرمایه‌گذاری و فیره در دست زحمتکشان قرار دارد - نیز از زمرة این خواست‌ها به شمار می‌رود. صاحبان سهام در ایالات متحده

دکر انتیک آنها را در کنیت و به تضادهای تعیین کننده جدیدی وقف یابیم که نضاره‌ای تحقیق سیاست آلترا ناتیو واقعی که راهنمایی انترا ناتیو بر نامه‌ای دولتی است، باز می‌کند؟ مشکلات جنبش کارگری با تغییرات عمیقی که در جریان انقلاب تکنولوژیک در ساختار طبقه کارگر به وجود آمده است و با تغییراتی در سیما، نیازهای سمت گیری‌های ارزشی آن همراهی می‌شود، شدیدتر شده است. در کنار کارگران سنتی که همدمتبا کار نیزیکی به طور بلا واسطه در روند تولید شرکت می‌کند (شمار این کارگران پیوسته رو به کاهش می‌رود)، اقسام کارگری جدیدی پدیدار گشته‌اند که همدمتبا به کار فکری مشغول‌اند، با تکنولوژی‌های پیشرفته سر و کار دارند و ظایف کنترل، همراهی و تنظیم را انجام می‌دهند. این اقتشار به لحاظ تعداد، از کارگران سنتی کمتر هستند اما سریع رشد می‌کنند و معمتر از مهرچه آنکه هرچه آنکه تر بر آن هسته طبقه کارگر تبدیل می‌شوند که با مرکز و عصب سیستم اقتصادی کنونی سرمایه‌داری مربوط است. با در نظر داشت چشم‌انداز انقلاب تکنولوژیک، این اقتشار آینده طبقه کارگر اనایندگی می‌کند.

در این شرایط، اعرابی سیاسی که اساساً متوجه پایه اجتماعی تدبیمی چنین کارگری هستند، ممکن است از میدان‌های اصلی مبارزه سیاسی دور اقتاده، در موضع حاشیه‌ای دفاع از منافع تنگ گروهی تنها یک یخش اگرچه بخش اعظم - طبقه کارگر قرار گیرند، در این راه است که به آسانی می‌توان به دام کارگر تبدیل گرفتار آمد، داماد که در آن وفاداری به مواضع طبقاتی پرولتاریا خصلتی بی‌جان و دگماتیک به خود می‌گیرد. اجزایی که می‌خواهند طبقه کارگر را امروز به مثابه طبقه‌ای نیایندگی کنند که ایقای نقش جهانی - تاریخی رهایی بشریت از استثمار و بیگانی را بر عهده دارد، باید پرده کلیشه‌های منسخ ایدئولوژیک را از جلوی پیش از تکنولوژیک را می‌بینندکه هست. طبقه کارگر معاصر را با تمام گوناگونی آن و از جمله با آن خصایلی بیشند که در آن برای تدوین استراتژی مقابله با سرمایه‌داری معاصر تجربه اندوه خته می‌شود.

انقلاب تکنولوژیک سرمایه‌داری را به حلقه‌ای بالاتر از حلوان تاریخ می‌رساند که مسایل اساسی رویارویی نیروهای اجتماعی سیاسی را به گونه‌ای نوین طرح کرده، مستلزم دیدی نوین از مسایل گذار به سویالیسم است و از احزاب انقلابی طبقه کارگر نیزیک استر از این دید طلب می‌کند.

آشکار است که انقلاب تکنولوژیک تضادهای اساسی سرمایه‌داری را که در تحلیل نهایی ضرورت تحولات سویالیستی از آن هاشمی می‌شوند بر طرف نکرده و نمی‌توانند هم بر طرف کنند. سرمایه‌ای که کوشنده نیروهای عظیمی را که خود در هلم طبیعت، و بافت و هراوده اجتماعی را از گنجینه اینکیخته است به زور در چارچوب حصارهایی که برای حفظ آنها به مثابه آرزش ضروری است نگاه دارد. امداد متقایسه با این نیروهای اجتماعی است. این سرتی به لاماظ دیگران - پایه بسیار حقیری برای تولید اجتماعی است. این سرتی به محدودیت زمانی تاریخی محکوم است. چرا که از تشکیل و یا ایجاد ثروت اجتماعی باز ماند.

تحولی که در نیروهای مولده هنوز به آن حداز شدتی رسیده اند که طور بلا واسطه در رشد و تکامل فرد اجتماعی باز تولید و متمرکز می‌کند. انقلاب تکنولوژیک بایرون کشیدن کارکنان از روند تولید و باهر چه خلاصه کردن کار آنها، رشد و تکامل همه جانبه فرد اجتماعی راطلب می‌کند و بیش از این تضادهای اجتماعی از دستاوردهای پیشرفت تکنولوژیک از طریق ارضی هرچه کامل تر نیازهای تودهای دیرورزین بخش قابل توجهی از اهالی، استفاده کند.

لیکن رسوخ پر دامنه هلم وفن در روند تولید از طریق تکنولوژی‌های جدید به تغییراتی هرچه ژرفتر در سویزکت تولید اجتماعی منجر می‌گردد. دیگر نه تلاش طبقه یا قشر معین اجتماعی، بلکه به بیان مارکس "مجموعه مرکب فعالیت اجتماعی" است که به مثابه مولد برآمد می‌کند. هر صه فعالیت تولیدی که در گذشته قلمرو ویژه طبقه کارگر بود، گسترش می‌یابد و دیگر گروههایی از کارکنان که زیر استثمار سرمایه بزرگ قرار دارند و به طور همینی در تحولات بنیادین اجتماعی ذینفع هستند به این هر صه کشیده می‌شوند.

نیازی حاد به کارکنان طراز نوین تولید اوج می‌گیرد - کارکنانی با تضادهای بالا، حساس نسبت به کار، خوش قریم، پرتحرک، و باحد بالایی از اختیارات. برای این کارکنان، شرایطی که فعالیت بمتکرانه و خلاق آنها را تامین کنند به مرتب بیش از پاداش در ازای کار اهمیت پیدامی کند، براین پایه است که فرهنگ علاقه قمه می‌نسبت به ثروت‌های جهان و ثروت‌های مناسبات اجتماعی زاده می‌شود. در میان کارکنانی که با تکنولوژی‌های جدید سروکار دارند و با آن شئون مفتوحی که شامل "مجموعه مرکب فعالیت اجتماعی" می‌شوند، ارتباط دارند هنوز تضادهای فرهنگ نوین مناسبات متقابل اجتماعی پیدید می‌آید و نیازهایی از قبیل نیازهای زیر شکل می‌گیرد: گرایش به آزادی‌های

گرایش هیئتین بین المللی شدن تولید اجتماعی در تضاد قرار می‌گیرند، اگر ناتیو دموکراتیک در چارچوب ملی نمی‌گنجد و ناگزیر از ورود به عرصه بین المللی است، اهمیت این امر به ویژه از آنجاست که روابط اقتصادی جهانی اکنون در سیستم‌های متضاد اجتماعی رسوخ می‌گذند و می‌روند تا سراسری شوند.

موقفیت و نفوذ محافظه کاری جدید نمودار آن است که اگر ناتیوی که قادر باشد اشکال دموکراتیک اکتشاف انقلاب تکنولوژیک را تامین نماید تازه دارد زاده می‌شود، اما هم‌اول نیرو و نندی به سود این اگر ناتیوی عمل می‌گذند که امکان می‌دهد نسبت به آینده خوشبین باشیم.

اولاً منطق هیئتی تضادهای سرمایه‌داری در حلقه جدید حلزون تاریخ مرکز ثلث تولید سرمایه‌اساسی را و سایل بی جان تولید به فرد اجتماعی منتقل می‌کند، اتفاق بپردازی متابع انسانی تولید اجتماعی از جانب محافظه کاری جدید از این ضرورت دور می‌شود و هر چه نیرو و مدت تحولات دموکراتیک را طلب می‌کند.

ثانیاً؛ روند آگاهی و احاطه ملبده کارگر نسبت به نیازهای جدیدی که برآورده ساختن آنها نیازمند دموکراتیزاسیون حیات اجتماعی از جمله در اداره امور اقتصاد است به تدریج امایه طور برگشت ناپذیر جریان دارد، ثالثاً؛ وندنهای زیر اگر چه با تأخیر، اما آغاز شده است: توسعه اشکال سیاسی جنبش کارگری، رهایی این اشکال از دگماتیسم و صلیبت و دموکراتیزاسیونی که گشادگی و توانایی این اشکال را برای جذب و ترکیب پلورالیسم منافع و نیات آن نیرو و های اجتماعی گسترش می‌دهد که قادر ند در برای محافظه کاری جدید استادگی کند.

این همه، دلالتی به دست می‌دهد که معتقد باشیم میازره در راه شکل دموکراتیک تحقق انقلابی که در نیروهای مولده آغاز شده است، اوج خواهد گرفت.

واقعیت اگر ناتیو دموکراتیک بار دیگر مساله‌ای را پیش‌می‌کشد که برای احزاب کمونیست دارای اهمیت حیاتی است - چشم انداز سوسیالیستی - آخر، مبارزه در راه سوسیالیسم جوهر تمام فعالیت کمونیست هاست، به خاطر دستیابی به همین اهداف سوسیالیستی است که آنها به کرات نو نهایی از قهرمانی و فدایکاری نشان داده و می‌دهند، و آیا خود طرح مساله اگر ناتیو دموکراتیک بر زمینه سرمایه‌داری به معنای آن نیست که چشم انداز سوسیالیستی تا آینده‌ای تاملوم به تعویق می‌افتد و در واقعیت های امروزین یا مامعه سرمایه‌داری پیشرفت کمونیستها از نظر سیاسی برای ابراز اصلاح خود به هنوان حزب کمونیست محروم می‌مانند؟

غیر! در شرایط انقلاب تکنولوژیک، واریانت دموکراتیک رشد سرمایه‌داری در برای محافظه کاری جدید سوسیالیسم رانه دور، که نزدیک می‌کند، پیغامبازیل گاریاچوف در سخنرانی خود در دیدار نمایندگان احزاب و جنبش‌ها در نوامبر سال ۱۹۸۷ خاطر نشان ساخت که: هیچ چیز نمی‌تواند این استنتاج را انکار کند<sup>۱</sup> که برای سرمایه‌داری اگر ناتیوی وجود دارد، و این اگر ناتیو هم سوسیالیسم است<sup>۲</sup> در ابعاد وسیع جهانی - تاریخی، همانا سوسیالیسم است که جانشین فرماسیون اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داری می‌گردد، جانشین فرماسیون که باشد و تکامل خود نیاز هر چه حدتری به اشکال سوسیالیستی سازمان دهنده جامعه را فراهم می‌آورد. در هین حال انقلاب تکنولوژیک که در شرایط سرمایه‌داری در حال وقوع است یاد آور این حکم معروف مارکس است که هیچ فرماسیونی تازمانی که امکانات خود را برای رشد و تکامل نیرو و های مولده جامعه به پایان نرسانده باشد، جای خود را به فرماسیون دیگر نخواهد داد.

سرمایه‌داری مسلمان امکانات خود را به پایان نیزه است، اما نتیجه‌ای که از این امر به دست می‌آید نه رونگردانی از اهداف سوسیالیستی بلکه ضرورت بازیبینی برخی تصورات ساده انگارانه و یک سویه در مورد گذار اجتماعی بشمری از سرمایه‌داری به سوسیالیسم و ضرورت کاربست پیگیر اصل تاریخ‌گرایی در از ریاضیات از این روندان جانب مارکسیست هاست.

برای لذت و رو در سرمایه‌داری برای گذار به سوسیالیسم بود، این هم نه استنتاجی سیستم سرمایه‌داری برای گذار به سوسیالیسم بود. این هم نه استنتاجی تجربیدی، بلکه نتیجه تحلیل مارکسیستی اجتماعی شدن تولید به شیوه سرمایه‌داری از جانب انحصارات بود که امکان تنظیم اجتماعی این تولید را نیز فراهم می‌آورد. لیکن اکنون که خروش و فلایان انقلابی دوره‌های بحرانی نیمه اول قرن بیستم فرو نشسته است، به روشنی می‌بینیم که خود گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم در ابعاد جهانی نمی‌توانسته است در آن دوره‌های تاریخی نسبتاً کوتاهی که مارکسیست هاروی آن حساب می‌گردد، عملی نیز در کشورهای روسیه و ایالات متحده آمریکا می‌گیرد.

در واقع حقیقت انتقالات بورژوازی که نسبت به انتقالات سوسیالیستی ابعاد و وظایف سیار محدودتری هم داشتند چندین دهه تداوم می‌یافتند. انقلاب بورژوازی در فرانسه چند سیکل را پشت سر گذاشت و تقریباً یک صد سال به طول انجامید، از زاویه هوامحل جهانی نیز انقلاب اجتماعی بورژوازی هم اهروز نیز در کشورهای روسیه و ایالات متحده آمریکا می‌گذارد و خود از آن تاثیر می‌پذیرد. امادر مورد انقلاب سوسیالیستی که خود شالوده هستی اجتماعی بشمریت را دگرگون می‌کند، چه باید گفت؟ بی‌تر دید این انقلاب مدت زمان تاریخی بسیار طولانی را در بر می‌گیرد که در طول آن خود شرایط گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم به گونه‌ای کیفی

آمریکا ۱۹ در صد اهالی، در سوئد ۲۱ در صد و در بریتانیا کمتر شمار آنها بیش از شمار اهضای اتحادیه‌های صنعتی است. صندوق‌های سهامی تحریک فراوانی از خود نشان می‌دهند، مطالعه و بررسی تجربه فعالیت صندوق‌های به اصطلاح سرمایه‌گذاری زحمتکشان در سال‌های هشتاد در کشور سوئد جالب توجه و حائز اهمیت است.

آیا رشد سهام داری و افزایش شمار صندوق‌هایی که توسط سازمان‌های کارگری کنترل می‌شوند پیش‌شرطی گذار کمیت به گفیت را فراهم نمی‌آورند؟ ممکن است لازم باشد مارکسیست‌ها به ازیزیابی نقش سرمایه‌های هر صد ایجاد اهرم‌های تاثیر گذاری دمکراتیک بر سیاست سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ، امکان‌پذیر باشد. در این رابطه جاده دیدار و روزی کنیم که بنیان گذاران مارکسیسم انجمن‌های سهامی گذاری تعریف می‌گردند.

ایده گسترش و سیاست تعاونی به مثابه شکل دمکراتیک از سازمان تولیدکه بیشترین نزدیکی را با کار تولیدکنندگان آزاد و متحد دارد است. این ایده امروز در جنبش کارگری طرح می‌شود. شایسته توجه مدقیق است، مسئله امکان تعاوینی‌های فرامی‌صرف و تولید باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

تدابیری نیز که متوجه رفع حالت بصرانی تمدن هستند، رنگ سیاسی به خود می‌گیرند. این تدبیرهای عبارتند از: تغییر خط تولیدنظامی و تخصیص وجهه برای حل مسائل حاد گلوبال و ایجاد پیش‌شرطی گذاری که از ضدیت خود با خالک دارد نواسته از شرکت‌های اقتصادی جهانی که اشکال آزادانه راه رشد ابری از هر یک از کشورهای تابعی نماید.

دمکراتیزه کردن مناسبات اقتصادی از ملریک گسترش شرکت زحمتکشان و سازمانهای آنان در تصمیم گیری و مدیریت در سطح موسسات و شرکت‌های بزرگ، محدود کردن دخالت بورژوازی در زندگی اقتصادی و در

عنی حال ارتقای نقش آن در تعیین چارچوب‌های عمومی سیاست اقتصادی و دستیابی به افتخار ساختن محافظه کاری جدید که از ضدیت خود با خالک دارد. بعده برداری می‌کند، پایه سیستم دمکراتیک و فرآگیر خودگردانی اجتماعی راگسترش داد، سیستمی که در تنظیم روندهای تولیدی و اجتماعی تأثیر است آن وظایفی را بر مهده گیرد که در اثر تمرکز بورژوازی کارگری از دولت را بدل "رفاه" در این میدان می‌گیرد. مانند بندمی کشیدار اینام آن هماچنان مانده بود، این امر چشم انداز دمکراتیزاسیون جامعه را می‌گشاید، اما نه از راه استنتاج آن شرکت زحمتکشی از دولت که نیروهای دمکراتیک برای انجام تحولات ترقی خواهانه به آن نیاز دارند، بلکه از طریق تلقیق مکانیسم‌های مبتنی بر خودگردانی با مکانیسم‌های دولتی در تنظیم حیات اجتماعی استقرار چنین دمکراسی اقتصادی گستردگی بودن تحکیم مواضع نیروهای چپ در سیستم سیاسی جامعه، در تمامی سطوح از پایین تا بالا، امکان پذیر نیست.

صفت ممیزه برنامه اگر ناتیو در آن است که ارزش‌های معنوی تمدن بشری را در صدر قرار می‌دهد. این ارزش‌ها قادرند آن اشاره را به بارزه سیاسی از جمله عبارتند از: جهت پلاکت مادی قائم نیستند. این ارزش‌ها از جمله عبارتند از: حرمت شخصیت، شیوه به لحاظ معنوی سرشار زندگی، پر باری اخلاقی مناسبات انسانی، گرایش به ابراز هویت و شمارکت در حل و فصل مسائل زندگی دولتی و اجتماعی، رشد و گسترش خودگردانی.

اگر ناتیو دمکراتیک وجوه بین المللی خود را نیز دارد است، پاسخ به محافظه کاری جدید در رشد اقتصاد نوی تواند بر نقی ساده شرکت‌های بزرگ فرامی‌صرف ایجاد کند. در پس فعالیت این شرکت‌های فرامی‌صرف نیرو و مند بین المللی شدن تولید خواهد بود. این ملی را در برای این گرایش یاری ایستاند نیست. ملی کردن در رابطه با نامصارف از این اوله، فیر موثر و ثانیاً، زیان آور است، چراکه باختن زندگه را در برابر تضادی جهانی و تعاون روبه تعمیق انتقالاتی ملی را به طور مکاتیکی از هم می‌درد.

یکپارچگی و وابستگی مقابل اقتصاد جهانی سرمایه‌داری در حکم آن است که اگر ناتیو دمکراتیک باید مفهوم رسوخ متفاوت بین المللی و همگرایی انتقالاتی ملی، و نیز همکاری بین المللی نیروهای ملی چپ را - که قادرند سیستم کنترل دمکراتیکی بر تولید اجتماعی ایجاد کنند که هوامل ملی، منطقه‌ای و جهانی را در بر می‌گیرد. در خود جای دهد.

جنیش کارگری در این زمینه بسیار هقب است. این جنبش در برای تضادی قرار گرفته است: بین المللی که جنبش کارگری - زمینه تاریخی همیستگی بین المللی کار - هنوز در چارچوب پلاتفرم‌های ملی مبارزه حرکت می‌کند. در چارچوب ملی چیزی کاملاً به نیازهای انتقال گذار تکنولوژیک که خصلت فرامی‌صرف ایجاد کنند، امکان پذیر نیست. پرداختن به قوام بین المللی میدان یا نبور سیاسی نیروهای چپ و دمکراتیک را در روزهای ملی گسترش داده، به آن امکان می‌دهد همکاری گسترش ملی را برقرار نمایند، بدین ترتیب این نیروها خواهند توانست بر ضعف خود غلبه کنند و این ضعف در آن است که می‌گوشند با ایزار سیاست ملی با مشی مخالفه کاری مقابله نمایند و با

تفیری می‌کند.

بانگاهی به گذشته به آسانی می‌توان دید که خودسرایه‌داری انحصاری مرافق گوناگونی از رشد و تکامل را طی می‌کنده در هر یک از آنها امکانات و اشکال گذار به سوسياليسم به گونه‌ای دیگر نه سرمایه‌داری آغاز قرن را از این زاویه می‌توان سرمایه‌داری انحصاری اویله دانست که خود پیدا شیش آن تمولاتی رادر سیستم جهانی سرمایه‌داری موجب گردید که کانون های تشنج و نظری گیری وضعیت انقلابی رادر و ملله اول در خود حلقة‌های پیشرفتی این سیستم - که در آنچه سرمایه‌داری از مبالغه قابل توجهی برای ادامه حیات پر خوردار بود - به وجود نمی‌آورد.

برخلاف نظریه‌پردازان اثربار ناسیونال دوم که منتظر زمانی بودند که تمام سیستم به بالاترین نقطه بلوغ خود برسد، لین با تیزی بینی نوی آمیزی امکان گستاخ سیستم سرمایه‌داری در یک یا چند کشور جداگانه را تشخیص داد. انقلاب کبیر سوسيالیستی اکابر نخستین گستاخ را ایجاد کرد و راستای جدید تاریخ جهانی را گشود. اهمیت تاریخی این انقلاب از چارچوب آن شرایط مشخصی که این انقلاب در آن صورت گرفته بود پس از فراتر است. اما از نقطه نظر رشد و تکامل درونی، انقلاب اکابر مدلی از گذار به سوسيالیسم از بود که با شرایط سرمایه‌داری انحصاری اولیه انتطباق داشت. بر شدن یافتنی نسبی اجتماعی - اقتصادی کشوری که در سیستم گستاخ ایجاد کرد بود، با نیروی حاکمیت دولتی طبقه کارگر و نقش ویژه این حاکمیت در ایجاد زیر بنای اقتصادی و در تنظیم و بازسازی مناسبات اجتماعی طبقاتی و ملی جبران می‌گردید. به لحاظ بین المللی امکان همزیستی مسائل آمیز با سیستم سرمایه‌داری فراهم می‌آمد و همزیستی مسائل آمیز به مثابه چنان همکاری ای بود که نه تنها بر رویارویی، بلکه همچنین بر رشد و تکامل روابط اقتصادی و فرهنگی که برای ورود سوسيالیسم به مسیر پیشرفت علمی فنی و معنوی ضرور بود، دلالت می‌کرد.

لینک پساز مرگ لین تجریه اولین گستاخ نه به هنوان مدل دوره آغازین از زوند تاریخی طولانی که همان گونه که امروز روشن است چندین و چند دده رادر بروی گیرد، بلکه به هنوان مدل عمومی و چشم کموقیتی را تغییرات معینی برای تمام کشورها کاربرد دارد. این تصورات دگماتیزه شده ما را نه به سوی مطالعه تکامل تاریخی جامعه سرمایه‌داری در دوران معاصر، که به سوی انتظار دایمی فروپاشی آن سوق می‌دادند، این تصورات توجیه گر منطق تقابل قطبی دو سیستم اجتماعی بودند و در ماهیت امر راه همکاری سازنده آثار اسدیکردن.

تاریخ دانان ما هنوز باید امکانات از دست رفته و هوابق منفی کاربست شهادی ساده‌انگارانه و غیر تاریخی برای سوسيالیسم و چشم کموقیتی را برآورد نمایند. امروز باید تاکید نمود که با ورود سرمایه‌داری به حلقاتی جدید از حلزون، قدم انتطباق این شهاده ایجاد شد که با سرمایه‌داری انحصاری متاخر که با انقلاب تکنولوژیک را طلب می‌کند، احتمالاً، مدل تئوریک دیگری در باره گذار به سوسيالیسم را طلب می‌کند. احتمالاً، مدل گذار نه گستاخ، بلکه فلبه دیلاتیکی بر سرمایه‌داری بر آن پایه فنی اقتصادی است که اکنون در نتیجه نضیابی ارگانیک فناصر و پیش شرط‌های مناسبات اجتماعی سوسيالیستی، ایجاد می‌شود. برای توصیف چنین مدلی از انقلاب اجتماعی واژه هنگلی به معنای رفع<sup>(۱)</sup> کاملاً مصادق دارد که معنای حذف، حفظ و ارتقاء در خود تلقیق می‌کند.

در این مدل، اکترناتیو دمکراتیک با چشم انداز مارش طولانی<sup>(۲)</sup> به سوی سوسيالیسم از ملریق رشد و تکامل جهانی اشکال دمکراتیک همکردد سرمایه‌داری انتطباق دارد، سوسيالیسم در نتیجه رشد و تکامل تدریجی سازمان خودگردن زحمتکشان یعنی زیرساخت مستحکم حکومتی از طریز سوسيالیستی فر جام این راه خواهد بود. این نظرات با این ایده مارکس که در پیاداشتهای اقتصادی<sup>(۳)</sup> بیان شده است انتطباق دارد که: «عیانگونه که سیستم اقتصاد سرمایه‌داری در باره ما تنها گام به گام انشکاف می‌باید، در رابطه با نیزی خود نیز که نتیجه نهایی این اقتصاد است وضع به همین منوال خواهد بود» (ک، مارکس و فانسلس، مجموعه آثار، جلد ۴۶، پخش دوم، صفحه ۲۲۲).

تجربه تاریخی دوران مقاصر امکان می‌دهد چنین نتیجه بگیریم که سوسيالیسم نضیابه شرالوده مکانیسم بسیار پیشرفتی خود تنظیمی اقتصاد زاده می‌شود که این خود در بطن سیستم مناسبات پیشرفتی کالاپولی شکل می‌گیرد. در کشور ما انقلاب سیاسی بر این امر پیشی گرفت، موافق اندیشه لینین، مکانیسم خود تنظیمی اقتصاد و سیستم حاکمیت خلق می‌باشد تتم کنترل دولت سوسيالیستی شکل می‌گرفتند. با منجری هایی که استالین در سوسيالیسم وارد کرد انجام این وظیفه را مانع شدند. اما امروز این امر به خواست موکد نوسازی تبدیل شده است. در کشورهایی پیشرفت سرمایه‌داری متاخر این مکانیسم در خصایل اصلی خود در اعمق سرمایه‌داری انحصاری متاخر اکترناتیو دمکراتیک را فراهم می‌سازد.

بازسازی و نوسازی سوسيالیسم در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسيالیستی در تدوین و سمتدهی سوسيالیستی اکترناتیو دمکراتیک اهمیت فراوان دارد. جذابیت ایده آل سوسيالیستی و تثییت آن در طرح اکترناتیو دمکراتیک به موقعیت این کشورها مستگی دارد. زمانی که شریخشی اقتصاد، کنترل دمکراتیک جامعه بر حركت اقتصاد خودگردانی و هدالت اجتماعی در نتیجه بازسازی و نوسازی تامین شوند، آنگاه سوسيالیسم

به مثابه شکل مناسب انقلاب رویه گسترش تکنولوژیک در برابر تمام جهان قدر خواهد کرد. آیا اکترناتیو دمکراتیک که در ومهله اول به طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری پیشرفت ارتباطدارد، از زمرة مسائل خاص منطقه‌ای به شما نمی‌آید؟ آخر جنبش رهایی پیش که در کشورهای روهه شدند اند که بار عقب و این کشورها هم اکثریتی از بشریت را در خود گردآورده اند که بار عقب مانندگی اقتصادی و فرهنگی، بار ستم و نابرابری را به دوش می‌کشند. پس ظاهر اغلق‌های این کشورها با اکترناتیو دمکراتیک محافظه کاری جدید نمی‌توانند سرویس را کارداشت باشند.

لیکن موضوع اینگونه نیست. تجربه جنبش‌ها و انتطباقات اجتماعی در کشورهای روهه رشد اکیدا اثبات می‌کند که انتخاب آزادانه راه خودگردانی و تدوین و اجرای برنامه‌های اقتصادی تمولات انتطباقی از جانب این خلق‌های انسانی است بر ضرورت بازسازی بنیادی نظم اقتصادی و سیاسی در کشورهای سرمایه‌داری داری پیشرفتی که پیش شرط‌پروری این دگرگونی هانیز کنار زدن نیروهای محافظه کاری جدید از مواضع کلیدی قدرت و نفوذ است اکترناتیو دمکراتیک در خدمت رشد و تکامل ترقی خواهانه کشورهای روهه رشد قرار دارد.

البته این امر به معنای آن نیست که مبارزه نیروهای رهایی پیش کشورهای «جهان سوم» تا زمانی که اکترناتیو دمکراتیک در هر آنکه قدر سیستم سرمایه‌داری متحقق نشده است، بی‌فائده است. این مبارزه‌ای است اجتناب ناپذیر و عادلانه، اما ثمریخشی این مبارزه منوط به آن خواهد بود که نیروهای ترقی خواه کشورهای روهه رشد و پیتوانند در برابر برداشتها و برنامه‌های افرادی و تفکلی ایستادگی کنند و موفق شوند تا اکترناتیو دمکراتیک متناسب با منافع ملی خود را در برابر مشی جهانی محافظه کاری جدید که این کشورهای روهه بشهکه و استگشی این مبارزه همیشگی مکشاند، پیدا کنند.

اکترناتیو دمکراتیک با منافع ملی خود را در قلمرو سرمایه‌داری پیشرفت رامی کشاید. اکترناتیو دمکراتیک، یعنی تهیه و تدوین و چشم که پوشاندن به آن، میدان همکاری و گفتگوی سازنده‌ای است که بار دیگر در برابر کمونیست ما و سوسيال دمکرات‌ها گشوده شده است. هر دو جریان جنبش کارگری دشمن مشترکی دارند که آن هم ارتیاع محافظه کار است. این دو جریان در راه یک چشم‌انداز نزدیک واحد مبارزه می‌کنند - شق دمکراتیک رشد سرمایه‌داری، البته مشکلات ناشی از اختلاف نظرهای عمیق ایدئولوژیک در درک اهداف و چشم‌اندازهای دورتر و وسائل دستیابی به آنها اجتناب ناپذیرند. اما در این زمینه نیز در جریان متحقق ساختن اکترناتیو دمکراتیک، امکان نزدیکی وجود دارد. انتقال تکنولوژیک در اشکال دمکراتیک به احتمال قوی زمینه را برای چنان شیوه‌هایی از تحقق دگرگونی‌های سوسيالیستی فراهم خواهد آورد که با نظرات امروزین هم که همونیستها و هم سوسيال دمکرات‌ها متفاوت خواهد بود. یعنی نیست که تحقق امکانات فلیه ارگانیک بر سرمایه‌داری و رفع دیلاتیکی آن برایه ای از خود او در جریان انقلاب تکنولوژیک فراهم می‌آورد، چنان اشکالی از بازسازی جامعه و چنان اشکالی از نفایت تاریخی نیروهای سیاسی پیشرونده وجود آورد که بسیاری از اختلاف نظرهایی که جنبش کارگری را تقسیم می‌کنند، از میان برond.

برای تدوین استراتژی اکترناتیو دمکراتیک باید در جمیت تبیین واقعیت‌های قیرنگی و رفع شماها و تصورات و گلوهای کهنه تفکر، کارزاری‌ای انجام داد. ضرورت همینی تحوالت همیق دمکراتیک در سیستم سرمایه‌داری که از انقلاب تکنولوژیک نشات می‌گیرد هنوز از جانب طبقه کارگر و دیگر نیروهای اجتماعی توده‌ای درک نشده است. در پس فرمول متدولی ژرفش مستمر بحران همومی سرمایه‌داری که با دلایل سنتی مستدل شده است هنوز مساله اصلی در سایه قرار دارد: تبیین ویژگی‌های گرایشات و تضادهای جامعه سرمایه‌داری در شرایط انقلاب تکنولوژیک و تعییه و تدوین مفهوم تئوریک و استراتژی اکترناتیو دمکراتیک که نطفه چشم‌انداز دراز مدت ترا احیای اکترناتیو سوسيالیستی را شاید در چنان اشکالی که برای هر دو جریان جنبش کارگری قابل قبول خواهد بود، در بطن خود دارد.

مسایلی که در این رابطه در برابر طبقه کارگر و احزاب آن در کشورهای سرمایه‌داری قرار می‌گیرند نوسازی تمام فرهنگ سیاسی جنبش کارگری و دستیابی به برخی نظرات جدید در برابر مبارزه اجتماعی - طبقاتی و در باره مضمون و چشم‌انداز پیشرفت جهانی را طلب می‌کنند. برایه فراخوان زمان، پاسخی سریع را نیز توان انتظار داشت. به نظر می‌رسد طبقه کارگر پیش از آن که از حالت دفاعی به حالت تهاجمی گذر کند دوره‌ای طولانی در پیش دارد. گردد آوری نیرو و کسب تجربه مبارزه در شرایط تغیری شکل سرمایه‌داری تحت تاثیر واقعیت‌های هصر هست. فضای تحول انقلابی در نیروهای مولده امید بستن به این که تاریخ خودش مسایل پژوهی را حل کند، در سنت مارکسیستها نیست. هم ابتکارات شجاعانه، هم کاوش نوآرانه و هم کار تئوریک فشرده - این است آنچه که بدان نیاز داریم و این که برایه زمانی تا پایان قرن چگونه سپری خواهد شد و چه نتیجه گیری‌ها و چه استنتاجاتی در تئوری و سیاست به قمل خواهد آمد آن چیزی است که سرنوشت جنبش کمونیستی و کارگری را رتم خواهد دارد.

نحیب محفوظ بوندہ جایزہ نوبل

در اکتبر سال کمیته ادبی نوبل، نجیب محفوظ نویسنده معروف مصری را برندۀ جایزه ادبی نوبل آعلام کرد. محفوظ نخستین نویسنده جایزه ادبی اسکد که بازه چهارمین نوبل نصیب او می‌گردد. نجیب محفوظ بینا نشاد و روان بدوی بهزایان عربی است. ازا و تاکنون ۲۲ کتاب داشته‌اند. نهاد شناختن هم ۳۰ مجموعه داستان های کوتاه منتشر شده است. آثار ازا و زمله پیرور نشده ترین آثار چهارمین نویسنده فیلم‌سینما می‌نیزد. براساس بررسی ادا و آثار ایشان نوشته‌های نجیب محفوظ بیش از آثار دیگر نویسنگان مصری بزرگان های خارجی ترجمه شده اند.

نجبیت محفوظ که در سال ۱۹۱۱ در قا هرمه متولد شد بدرود اورانی سیک مستقل صحری را بینان نهاد که نویسنده‌گان و شاعران عراقي معاصرش بودند. در اولین زیستگاه خارج از ایران بودند. نجیب این سیک را پي گرفت و همچنان تکنیکه عنوان يکي زدلا--- اعطای جایزه توپل، ازوی هیات داران نیز عنوان شده است.

سریوکت" (۱۹۳۹) است که علیه حکومت طبله سلطانی، توپخانه سریوکت مصروف نموده استعما رپود. از آنرا معمور دیگر وی "مقاله" است که در سالها ۱۹۴۵-۱۹۵۲ انتشار یافته و سبب محبوبیت فردا و ان اوکشت داد "فرزندان کتابلی" که در سالها هفتاد و شش ساله برجی سلطان انسانها از آغاز پیدایش تا دوره حما میرای دستیاری به "حقوق" بشر را بازمینا یاند. از دیگر رمانهای او "حقق دربا و ان" است که به مایل سیاسی و اجتماعی عجیب می‌گردید. بسیار زرده داشت اجتماعی است و هیچ خودنمایی نمی‌گردید.

یعنی، روزه سپاهی را روزگاری می‌شیند. نجیب مقفوظ ۷۷ ساله - که در کنگره زندگی  
می‌کند - تویسته‌ای پرکار و است که هم یک نیزیک  
زیمان و چند نوول در دست نوشتن دارد. او می‌گوید:  
روزی که نتوانم بنتویسم آخرین روز زندگانی  
من است".

عقب نشینی امام در برابر موسیقی!

در تزدیکشیری از مردم بیرون "سیاست" و "حیله‌گری" معتبری واحد یا دست کم تزدیک به هم دادند. این مردم و قبیلی می‌گویند "سیاستدار شخص" محترم را باید امید داشت و تندکه ظاهراً هربوا طنزش را در سیاست پنهان نموده و پشت پیش از شنیدن حقیقت را می‌داند. این افراد را هزار نظرچشم و گلک و متوطنه در همه تنبیده شده و دهان "میارکا" شنیده ای خروج نمی‌کنند، مگر در بی مقابله جندگانه که تندیشیکی از آنها سبز ایجاده "عوا ام انتسا" بپرسیم آید. چنین درگی از سیاست و سیاستدارانشی می‌تواند تجزیه‌دهان اهل مدیریت را بروایی با حکما و سیاستداران بپرهیز کش و مستنگار است.

در تردد مهین قوم، غالباً آخوندها بهید جنسی  
گشوده بودند، و یک نوع دور روی سلطانی نفت عمومی  
آنها شرده می شود. حال در نظر بگیرید که آخوندی  
"اما" مام و امامی سیاستدا و محکمان می شود.  
جنین موجودی دیگرسرای مردم حکم همان دیسو  
فنا شنای را پیدا می کند که تنها ادعا ملایکت  
و فرضش را روش انتیکردن حریفها و اظهار اوت است.  
و اما وقتی جنین "اما" ای از موسيقی حرف  
پروردند، آنکه دیگر بتمام معنی حکایت سخن گفتن  
جن از سیم الله، پیش می آید. می گویند نه؟ پس خود  
باید دیگرا بن کن کا پست در ریاض خانه ای امام  
بر پوشش مدیریکل فرهنگ و رشد اسلامی استان  
تهران رئیس در ریاض چگونگی استفاده از موسيقی  
با زخوانید:

مسدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس :  
ما مفرمودند موسیقی مطرب حرام است و موسیقی  
مشکوک و غیر مطرب حلال است." تشخیص این امر

میهد کیست؟  
عزمی کیست؟ عزمی است!

**مدیرکل :** ایا در اجرای یک قطعه موسیقی  
مجاز، وجود شعر الزامی است یا می توان موسیقی  
زرا بدون کلام هم به اجرای درآورد؟

اما میان شد؛ حکم‌های استعدادرسانی میراث

از استفاده از انواع الات موسیقی با اندیشه های گوناگون دارای محدودیتی است؟

لار ده از هاچهار جنس است که در مورد جواز اشکال استعمال آلات مشترکه دارد.

مدیر دل : آیا می سین یک قطعه موسیقی  
محا زرا به طور زنده (غیر ضبطی) در برابر افکار عموم  
مداده اراده اورد؟

اما م: از این بطریقی بست و میزان همان

موج موج خزرا زوک پس پنهان  
بگران جامه کبودان افق بحمدیا  
چ بهار است خنداکه دین فرشت مل  
با زدمقدح خوشن توانی و حبایا  
کرده زن هنرسته سوکی کل راستیا  
آن فروزی چهل چشمی پیشان دهیا  
نامشان مرمه عیش مستان بی

است که ذکر شد.

موسیقی محاز از صدای یک مردمی طورتینها استفاده نمود؟

اما : در حکم که ذکر شد، فرقی نیست بین ایشکه مردمشان را با دیگران (با ساخته مثبت) می‌بریکل : آیا در احوالی یک قطعه موسیقی اگر لازمشد از زبان به طور استدنه جمعی (گروه همخوانی) می‌توان استفاده کرد؟

اما : اگر فساد داشته باشد نباید استفاده کرد.

آنچه‌ای مد شا مل نکات عمده برسش های حنای  
مدیر کل ویا سخ های سپار "سنجیده" و "راهگشای"  
اما م است. می‌بینیم که با سخ های "اما" "چنان"  
چند پیلولو و مبهم هستند که هر آن یه ممکن است مبنای  
حکمی به سودا دنی با آن آمر و مور ما مور مستبد شوند و بسیار  
در رخورد خواهند داشتند و این مخالف از هم و از هم داشتند.

تسلی از هر چیزی را که بگفت که می‌ستقل از مفهوم  
تک نک حملات "ام" آنچه از مجموع یا سخهای  
وی مستخدا دمی شود، یک عقب نشیب درس اسرار  
میلیون ها میلیون خواستا رو و دسترا موسيقی است.  
هم بريش ها و مهیا شنا خيلي حساب شده و مرتب شده  
هم تنظيم شده اند. انگریزه هیارت از گذوند یك  
درسته کوچک شرعی برآ شنیدن و ساختن و جسترا  
که در دهد دمه میست ایت.

آقایان آخوندکا که به لحاظ بیزان و شده اعطای  
و ذوقی به طور قطع عقب مانده ترین افراد جامعه می‌  
هستند و ذوق و احساس آنسها غالباً در حد انسان های  
عقب مانده عصر حیری است. با تحلیل سلیقه خود بدهی  
کشته و تحریر گزرنمای موسیقی، و خشتانه ترین اقدام را  
درکل تاریخ کشورهای اسلامی داده است. تحریر موسیقی  
و هنر، آنهم در آستانه قرن ۲۱ و در کشورهای که

یک از کانون های مهم ادب و هنر در جهان بوده و هست، آخرين الامادر استبداد و قشریت و خسایان حاکم است. مردم را روزنشکران را تآذدهای میلوسوی، گریگوکوهای دربرابر تحملات زیرزمین یستادند. موسيقی از راه روسیه و لتوانیون قطع شد اما بویله نو رو پشچه و سدنو و خانه نوازی و مجالس خموصی همچنان جای خود را در زندگی مردم حفظ کرد. دلایل

زیبایی در دوست است که مرزوختی بیشتر از سال های پیش از اینکه بارگاه خواهان به موزه ساز و آوازو فنون موسیقی روی آورده است.



## درجی بر سر واگذاری زمین

روزنامه‌کیهان در شماره ۱۷ مهر، مطلبی بپردازی داشت که می‌گفت: کمال آن بهشتر است:

حاجات ما میزان زیمدا، دکه می، کا طل آن بعثت نی است:

بیروزی حزب ۰۰۰  
بیوتو با تماح این کرسی‌ها و به دست آوردن متقداً نجات دیده درگاه روزانه شناختی باشندگان غلام اسحق خان وی را برای تشکیل دولت فراخواند.  
سادوی کاراً مدن خانم بیوتو، با توجه به اینکه وی سیاست‌های متفاوتی در عرصه‌های اجتماعی علی‌السانی داشت، علیرغم زمزمه‌هایی که باید دولت امریکا را درآورد، با یادداشت رئیس‌جمهور محسوس و پیشنهادی در واپسی با افغانستان بود، هرچند که قفسرهایی بود، بیوتو و کرات گهاتی ۱۵-۲۶ سال اخیر مهاب قدرت و شرط شده است، بدراحتی از انتباش زات خود عقب شنی خواهد کرد، خانم بیوتو نیز در دوره مخالفت با دولت و «مازده» آیین مسئله‌سازی این می‌بیند و بطریق داشت. از جمله این که بین ازکشته شدن ضایاء الحق مردم را تشویق کرده‌که از غلام اسحق خان حاشیه‌نشین خیابانی حق در حرف و خط و این امنیت پیش‌تسبیبی کنند و همچنان در برخاسته‌های خودنامه‌های خودنامه‌های این اعیان را از طبقه‌های ملکان و شوهران‌ها می‌گذرانند، باکه به دفاع از آنها برداخته است. سفرهای یک سال پیش خانم بیوتو به مرکز افغانستان و دیگر اوقات را در مدارا هایش اینجا و اینجا بیان می‌نماید و دوکشور افغانستان را زین دست احتیاط کاری های این اعیان را درآورد.  
در هر صورت با افغانستان دیکتا تور زده، امر روز از یک بحران اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و وجودی می‌گذرد. میلیون ها از افغانی و غربی‌بروهای مسلح خدا نقلات افغانستان را در شرکهای ملیزی با افغانستان و افغانستان را که مسوده‌گذاشته مکانت عظیمی به آنها اختماً داده شده است، رنج می‌برد.  
مردم‌سال ها است که علیه‌دیکتا توری و در راه احیاء دموکراسی و بهبود معیت زندگی می‌رسد، از این‌که مسائل اقتصادی و امور می‌گذرد این امور می‌گذرد. مسئله احیاء دموکراسی درجا معبای افغانستان از اهم مسائل سیده و امور می‌گذرد راست. تضمین آزادی های سیاسی و تا مین حقوق، دمکراسی تیک صردم را در این بارگاهی خلاصه کرده که باید که با آن دست بارگاهیان است، با خواهد گردید. در رابطه با سئله افغانستان را نزدیکیا جا را بسیاری آزاد کردن بودجه کلان و مکانت عظیمی که بآن اختصار نمی‌داندند، این احیاء تعهدات قرارداد از دست نداشت.  
دولت آینده خانم بیوتو، بسته به اینکه آنند از بی‌زاده های سیاسی و احیاء دمکراسی کردن نمهد و در رابطه با سئله افغانستان به تعهدات قرارداد از دست نمایند، باید اینها نه مورده قضا و تنبیه ای قرار خواهد گرفت.

بازسازی...  
بیمه زمینه اول  
بیدینگونه تا دیروز خود چنگ و اموخترا رسرب  
کنری حنگ، آنده هم را نسبت بین از خود چنگ می تواند  
بدارای اینجا مد) دست و پر حکومت برای ویران  
سازی و ویران گذاری کنور شده است. برو اوضاع است  
که "خط چنگ" می تواند همه چنگینه های خود چنگ  
را بالعده دست مردم ایرانی با زمزمه شوی پوست  
گرد و بگذارد. مگری سود و دیدون انتقال درآمدکشور  
از تدور چنگ به کارگاه بازار سازی، حرفی جدی در  
باره بازاری زد؟  
برای بازاری به ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد  
دلار سرمایه اهدا نیازی هست. این هزینه  
هستگفت را جکونه می شود. در آم و دور زیم در این عرصه  
جه سپاسی دارد؟ بودجه را می سال ۶۷ ایران حدود  
۱۲ میلیارد دلار است. میلیارد دلار را وردشده است که ۷۵٪ آن بینی  
حدود ۹ میلیارد دلار است. ممکن است هفتوانی  
دست ۹۰ سقوط دوباره قیمت های نفت، حمیرو اسلامی  
اکسیون بدهیت می تواند بیش از عصیان ردلار به  
دست آورد، از همین بودجه نمک، نزدیک به نیمی از  
آن به سیح حنگی و هزینه ای را کان های نظام می و  
انتظار می وزندان ها و سرکوب های رژیم اختیار  
دارد.  
آخوندگان خود را می خردند که این هزینه  
را همچنان در راس کارهای خود قرار داده اند. دردهه  
اول مهر، خمینی در پایان مدرسان روزه در مورد  
بازار سازی، این سیاست ارجاعی را مورد تائید قرار  
داد و کوک در برابر بازار سازی نیز مسئله چنگ هنوز در  
اولویت است.  
رئیس مجلس رژیم در این رأیگفتگویی که کامیش  
هزینه های چنگی و اختیاری این هزینه به بیان بازاری  
سبیانی فدا نقلاب است.  
سبیانی ملیع غمی و هگویی های  
رئیس مجلس بیان دادن به سیح حنگی در کشور و  
کا هش هزینه های سراسر آوری که مصرف بسیج نیرو  
نگهداری نیروها در حمیه، خرید سلاح و سواری  
حنگ طلب نمی شود. اگر مثبت در شروع هرگونه  
بازار سازی و اقتصادی کشور است.  
برای بازاری ۳۰ کثور، به تنها تخصیص  
هزینه های موسر و ماده به سیح حنگی به امری رژیم  
فرورت دارد، بلکه همچنین برخواست مریزی اصولی و  
مسئلۀ ای در حقیقت استفاده از منابع مالی و انسانی و  
اکنایات تکنیکی داخلی و خارجی لازم است. اتخاذ  
ما این انتها ای کراف از تجارت روسیه ای دارای کمودر  
طول هست سال حنگ خون بردم را در شرکت داده  
میلیاردها تومن سود آینا شدند، با بدیکی از منابع  
مالی بازار سازی کثور برداشت و کنترل را نزد نفت  
کواردادهای عالمانه با کلیه کشورهایی که شرکت شان  
دویا سازی می تجددیست و مدن کردن اقتصاد میمیں  
ما کمک می کنند، ضرورت دارد. با پدکلیه قراردادهای

در کیهان ۲۶ مهر، ادا مه ما حرا به شرح زیر  
مشکن شده است:

۴۷ نفر اهل رستای سنجان تربت حام  
که بیهودگاری زمین های آستان قدس بزمیهاداران  
و فضودالهای اعتراف دارد، با زدشت شدند، به دنبال  
درگیری های چند روزگذشته در رستای سنجان  
تربت حام که منزه بگشته شدن یک نفر و محروم شدن  
دو فرد پریش شد، دادرسای عمومی تربت حام مکمل  
دستگیری تعداً دیدگیری روی رستای سنجان تربت حام  
نمونه این روبیدا دکدریک وزارت معاشر سور  
شده این گونه عربیان انتکاب می باشد، کمتر است در  
گوشه و کنار خواهد بود، سیستان و بلوچستان، ترکمن‌خوا  
خوشان، کردستان، آذربایجان و پرسخی دیگر  
از استان های کشور درگیری های بر این کندده خان  
ساقشودالهای ما موران حکومتی به طور مدام و مدام  
لاره در واقع پس از فروخو بینند غیره بند ج  
و زد و اختصار می بافتند بلندگوهای رژیم‌خواه  
مرکزی بگردند، همانکسان از میان راه راه را  
خود را ادامه دند و جساد رشای طی پس از آتش بسی  
در رستای تازه ای علیه همچنان ملکان و ماموران  
پیدا شود، رژیم خمینی علیه همچنان ملکان و ماموران  
محبیت برخایت ازده خان و وعده های مکرر برای  
پیشتر دلالات ارضی و کوشا دکرد دست فشوداله  
نه اصلحات ارضی را پیش برد و نه ازده خان را دربار  
فشنودالهای حاصل می پرسید، علیش عده فکری و  
عملیاتی همچنان ملکی در جهت دفاع از فشودالهای  
آزادگان شتن دست آنها در برابر برد همان ایام سواده  
است. آخوندها در حالی که متوی سوی ها می دیدند که  
حق دهخان را از خانها و فشودالهای پیگیرند،  
دهخان حال بینها زگدا ندیدند سیاری از زمین های  
املاک داره شده بخانها و فشودالهای ووضع شناسن و  
مقفره ای را برای حل وکری از برگوئه تعریف محرومین  
روستاییه ما یملک بزرگ ملکان مشغول شدند.

جز بیان های آخوندهها برای دهخان غالباً  
است. آنها در حرف می کوشند هدفهای آنان مساده  
و خواه کنند و ازین فرست استفاده کرده و در عمل مسل  
آبیها را به جوی فشودالهای پرگردانند.

شهادت رفیق عبدالحسین آگاھی

حزب توده‌ای را شهادت رفیق عبده لحسین آگاهی را اعلام کرد. دزخیمان رژیم با قتل رفیق عبده اگاهی، بر زندگی مردمی نظرخواهی پایان گذاشتند که بخش اعظم عمر بیشتر ۲۰ ساله شد را برای سعادت و پیروزی مردم بیشتر گذاشتند بود. عبدالحسین آگاهی از افسران انقلابی بسوی که در سال ۱۳۲۳ به عغوبیت حزب توده‌ای را در آن فنوفد و اعیان‌آواره شدند که افسری و محبوبیتی اوی به مبنای استاد رشته هندسه ارتبا ط مخابرات در این دستگاه همودرتانی تبدیل و شمرد بود. رژیم و رازشدنی وسیس به شیراز تبعید شد. اما او با فراز و رازشید، کار انقلابی اش را آغاز کرد و از جهله‌های بر جسته این "فسران خوارخان" بود که می‌سین مخفیانه به آذربایجان رفت و با درجه سروانی در آذربایجان به خدمت "ارتش طلق" درآمد. پس از گشت شفعت آذربایجان، ناگزیر از مهاجرت شد اما در مهاجرت نیز لحظه ای از کار انقلابی فعالیت در خدمت انتقامگزاری ایستاد. تحصیل در روش فلسفه، فوق دکترای در این رشته گرفت و به زوشنی های وسیعی در علوم فلسفه تاریخ، عجیب مهندسی و کارگری ایران و ادبیات زبان ایران آذربایجان دست دید. زیارت به پیروزی انتقامگزاری بین میان ساکنین پرداخت و در پیروزی خانه حبیبی ایشان را کیهانی در پلیویوم هفده حزب به عغوبیت کمیته مکرری برگزیده شد. هفدهمین ماه ۱۳۶۱، موزدوران سلحشور رژیم حقاً پیشگیری خانه همراه بودند و را در حمله ای که گلوله در پیش داشت، به شکنجه گار برداشتند. رفیق عبده اگاهی تا خوبین لحظه زندگی دلالوارانه در مقام ایشان را می‌داند و زیمین ویستاد و با وفا داری به رمان های پیش از شهادت این رفیق تسلیت می‌داند. دلالوار را بخانواده و هم زمانش تسلیت می‌گوییں و می‌دعیزیش را کرامی می‌دانند و زیمین.

تجارب زندگی پیربا رش، ازا و مسلی بروجسته  
زیبودست ساخته بود. «جهان در هیچ مجلسی فرست  
تنایی را از دست نموداد، در هرجعی کذا و بیدایمان  
پسپریوریو و آزادی را در آن بر مری تکیخت. بسی  
رسال ۶۴، در شرایط جدید می بازد، که ممکنی از  
نزوههای سازمان وارد شد. در عین حال که بسی  
لایت اجتماعی خود را متعوّن یک وکیل داشتسری  
داده بهم داد. در ۲۹ شهریور ۱۳۵۰، رفیق «جهان نکیز»  
از آزادی شد، دوره حدیدیما روزه در رشت طازه ۲۰ غاز  
نهاده بودو «جهان» می بایست آزمایش دشواری را بسا  
وقوفیت بدگراندی. او زیان آین آزمایش دشوار رنیز  
برپلندیمیریون آمد. بسی از خود دویک سال ژوگوشکنجه  
فیضی، اورا و بردوسال زندان حکومکرد شد. اول و در  
ندان به میان رزمه مقاومت ادا بهم دادو این جرمی  
ای پیشخودونی برای زندانیان خمیشی بود. گینده  
زندانیان باش، بالاگره حاره حمل خونری خود را داد و در فرق  
درودز جدید کشنا رزندانیان سیاسی، سه‌همراه ادیگر  
هرمزگان شش آماق تیرهای دشمنان آزادی و بیریست  
د.

بینین ترتیب دفترزنیکی بر مقاومت ۴۶ ساله  
که کمونیست، یک انسان آزاد بیان رسید.  
نشانی خود ساخته، بپرورد و نجع وزحمت، خساد  
نمکشنا. خلق ایران یکی دیگرا فرزندان نجیب  
که از این اسلام

کمیته مرکزی سازمان فدا بیان خلقا ایران  
کشیت، به مادر، همسر و فرزندان رفیق شهید  
ها نگیرفتی، تسلیت می‌گوید.

ساده‌چاودان ساده

زیبیشروا ان اتفاقی و دیگر تبروهای شرقی خواهد بود.  
از جمله اقدامات فوق، بورس کما ملا حساب شده  
و مسازمان های صنعتی نفتکاران و سایر کارگران بود.  
جمهوری اسلامی همچنان مشهور امای رهبری شده در منع  
نفت و آسیه رسمیت نشناخت. با همان زمان شورای  
نقاب، قانونیت یافتن این مشهور امای رهبری شده  
نقاب، قانونیت یافتن این مشهور امای رهبری شده  
نمود. بعدها عزم تعمیب هیئت وزیران ندوای روش تاکنون نیز  
دست یافته است. بعدها عزم تعمیب هیئت وزیران، نفت و  
گردشگری معاونت بزرگ کشور از تکلیف کارگری محروم  
نموده است.  
تشکل های کارگران نفت از یک سوبیدلیل  
نشست کلیدی صنایع نفت در اداره ایران و ازوی  
یگریه خارطه نقشی بیشتر زایین بخش از کارگران،  
کارگرانی وسعه شری را در حکومتیان ایجاد کرد. لذا  
برگریب این تشکل ها و بی خطرخواختن آنها و همین  
لورخا رج کردن آن دسته از نشانیدگان کارگران  
در حوزه حجریان اتفاق بود و مقایع بین ازان تجویبه کسب  
گردید و آبدیده شده مودود است، از جمله من از زرده درسته سور  
را روزیم فرار گرفت.  
جنگ سپتامبرین دستا ویرا برای اجرای سیاستهای  
دکارگری و ضدمدمی رژیم فراهم کرد. شوراهای  
نفت و دیگر تشکل های موجود در آن و از جمله سندیکاهای  
پیش از ازدیگری محل شدند. نهاد نشانیدگان کارگران  
کارگران بینداز زیرخوب فرار گرفتند و پنهانی  
بوسط "قانون اساسی" وارد آمد که اماج اصلی  
آن تنفیذه ادارات و کارخانجات از وجود نشانیدگان  
نمایانه شده و کارگران و نیروهای انتقلابی

من از زندگانی خود بخاطر عاید حقوق و مزایای پیشین  
نفتگران یکی از عرصه‌های جدی می‌باشد منفی  
نمی‌شود. از جمله حقوق خایع شده نفتگران  
و حتی میهمان‌ترین آنها، حق داشتن سازمان منفی  
کارگردانی است. این خواست می‌باشد. به  
خواست مجموعی مبارزات نفتگران تبدیل شود و در  
بکار می‌گیرند: به امدادی، کامپانی‌ها

در خلال این ده سال به ترتیب حق نفتگران برای  
ناشتن سازمان صنفی و مستقل، نقی و بمال گردید  
که دور عرصه سایر حقوق صنفی و از جمله دستمزد موظا  
خوبیتات بسیاری به آنها تحمیل شد، روزی ممکن است  
پرسوں به هنگ کردیگر برای اسلوب پیش از پیش  
حقوق صنفی و دکترانیک گرگان و حکمتگان بسته  
ادان شدند. طی این دوره در صفت نفت دادن جبره  
وارهاریا متموق کردید و در عوض بهای آن که هیچ‌گاه  
نمی‌توانست اقلام خیره درباره از قابل مقاصده سود،  
در روز داشتند. با ادای سالیانه و عیدي، گردیده فرو  
نهادنها لعنه کارکنان خود را که قطع کردید، رژیم و متفاوت نفت  
نشینها خارج شدند، سلکه مصوبات پیمان های قبلي را نیز  
دستور دادند، نکردنده در این میان سرخی از مردان  
اعمال نشانش بافت. تحت عنوان «ایثار برای جبهه های  
که مرتبه از کارگران و کارمندان که های مالی  
غایی شدوا را آن خواستند که زدربای فرست  
آفاق اسلامیه افشا کاری و پریخت مزایای دیگر  
برای فرق نظر نگذشتند. سرخی مواد را بنیادی  
روت و تحمیلات قاچوشی نیزداشتند.

اما علیرغم همه ترفندهاي رژيم جمهوري اسلامي  
با وعيت کارگران در مقابل شماره و تضييقات عمال

## شهادت رفیق جهانگیر فتحی در اوین

بنابرای طلاقاً تی که زسما هچال های خمینی به  
خارج درزکرده است، دور آبان ماه، یکی دیگر از آزاد  
مردان وطن رزمی نشده را از هرها بی میهن و پیروزی مردم،  
رفیق فدا بی خلق جهانگیر فتحی به دست دخیمان  
جمهوری اسلامی شهیدیت، فدا بی خلق جهانگیر و  
فتحی در سال ۱۴۲۱ در روستای ورزقان آربایجان  
شرقی به دنیا آمد. پدرش را درد و سالگی از دست  
داد و تربیت از پیر عدهه ما دروز میگشکن و فدا کارش  
افتاد. درپی نزد دلگشاکی با خاطره ای تلخ از قصر  
و سد و دزدی در روستا را، هی تهران شدوگون اکثر  
جوانان مهاجر روستا بی تنها شغل در دسترس او، کار  
در فعالیت های ساختمانی بود، اما او که طبع  
بلند پیروزی داشت ضمن کار رخت و مثبت از این  
ساختمانی به تدبیل برداخت. رفیق روزه ای کار  
میگرد و شیشه ای را درس می خواهد، زندگی او از ساخت  
پی بپروا ان. او پس از مدتی گروهیان ارتضی شدو  
دو عین حال به تدبیل ادا مدداد، روح سرکش او بسا  
محیط خشک و انبساط سریبا رخانه ای در تناقض و  
تضاد بود، این رای از آن محیط اطاعت کورانه  
تلذیش بیشتری برای تدبیل نمود. بالاخره اور  
داشکده حقوق داشنکاهه تهران پذیرفتند، حسنه  
سیا شا داشنکاهه، فقر و سکنی دهستان را کمک می  
یکدیگر شدند و را در میان رزه علیه مجموعه مقدمات  
کردند. او پس از بیان داشنکده بیانی در روژارت کشور  
به کار و برداخت اما وکالت برای این وزارت خانه  
نیز اور اراضی شمی کرد و درنتیجه آنجا را نیز ترک  
کرد. این بعده عنوان و کیل دادگستری خدمت به مردم و  
آرما نمود از این دلالت خواهانه شهنشا را امداد و اورایین  
دوره، حمام اسرار و ملجه، تمام آسیا بی و بود که اورا  
می شناختند و سه تنک آمده، از ظلم ظالماً نباید باشد  
مرا جمعه کی گردند.

## دھمین سالگرد اعتصابات نفت

ایران اهالی معاصر مفاد است. ماهیت معاصری میان سال‌گرد اعتمادیات  
عظیم نفتگران ایران است. اعتمادیات که از همین دهه  
خواسته های عمدتاً صنعتی آغاز شد و سپس خلعت برآ را  
سیاسی یافت. اعتمادیاتی که متوجه فقرات روزیم  
خودکاره و با استثنا هر دارمکوبیدونا قوی مرگ  
آن را در فضای سال‌گذاریان روزگار ایران طینی ندارکرد.  
نشش کارگران نفت دلتا لودن روزگار ایران طینی می‌باشد،  
بی‌بدیل است. بسیار زیبا نشست شکوهمند بخشی ملی  
شدن نفت، این فرازدیگری در تاریخ شردن نفتگران  
و جنبش کارگری ایران برای احراق حقوق خود و همه  
مردم را در پنهان بگذاشت و می‌باشد.

اعتمادیات نفتگران در سال ۱۳۵۷ در پیشرفت  
و تعمیق انقلاب تا شیری نگرفداشت و بدوسه منطقی  
برای مجموعه طبقه‌کارگار ایران بدل شد.  
تلش های گستردۀ رژیم شاه برای سرکوب این اعتمادیات  
بسیار نتیجه مانند عزم نفتگران در پیشودن خود به  
خواسته های انتقامی شده ایان میلیونی می‌برد  
غایاب شد. این اعتمادیات که بعدها از آغاز جنگ ایران-伊拉克  
هاوارز خواهی و آبادان آغاز شد برسیعاً اسرار مصنوعت  
نفت را برگرداند و به نیروی ضربتی شکری علیه  
خدادنیان نفتگران بدل شد.

نشرنده‌نفتگران و دیدگر کارگران، چهره روشنی از  
خواست و توان طبقه‌کارگار ایران را برای دخالت در  
تبیین رشته‌نشانیش کشوده‌اند. این روزات در  
شان دادکوه طبقه‌کارگر میهن ما جهشیروی علیمی را  
بلطفه‌ای عمدتاً خودبخودی به فعل در آمدان  
بلطفه‌ای از همیستگی و اتحاد دشوار استگزکو ایران ایران  
سودکار به فلک کردن دستگاه اقتصادی رژیم و تاکید  
بر خواسته های انسانی حقایقی را در زیرین  
نشش را در جهت سرگوشهای مهله‌لو اینگراز کرد.

درست همان هنگاه کارگران بیارز برآ  
مادرت همان شدند و در بستوه‌آورده بودند، آخوندها و  
شدوهوده‌لیبرال هانیزیا زاین قدوت آیینه‌دهان  
بینهایانک شدند و در صدد برآمدند تا این گرسنگول از  
اطراف پر برآورده را به همیزه همیزه مهار کنند.  
از این میهن که به ندرت است بفتند، به اقداماتی  
محدود و متفرق کردن طبقه‌کارگر و جوادا ساختن آن

## با جمع آوری کمک های مالی فدا ایان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود باری دهید.